

## نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی ایران از سقوط رضاشاه تا ۱۳۵۷ش

قاسم میسایی، فائز دین پرست\*

گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: میان‌رشته‌ای حوزه موضوعی: ایران	علی‌رغم تجربه دوره‌هایی از رشد اقتصادی، مسیر توسعه اقتصادی ایران در تاریخ معاصر، به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ش، ناقص و نامستمر بوده است. در این پژوهش، با تمرکز بر نقش نهادهای سیاسی در شکل‌گیری این وضعیت، به‌خلاف موجود در متون توسعه پرداخته شده، بیشتر بر عوامل اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی-اجتماعی تأکید شده و پیکربندی و تعامل نهادهای سیاسی کمتر به‌طور نظام‌مند بررسی شده است. در این راستا، با تلفیق رویکردهای سنتی به توسعه و نهادگرایی جدید، چارچوب تحلیلی «چندضلعی نامتعادل نامتناجس» مطرح شده است. پژوهش حاضر مبتنی بر تحلیل تطبیقی پیکربندی‌محور و نظریه مجموعه‌هاست و با بهره‌گیری از تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه‌های فازی (FsQCA)، نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ش بررسی شده است. قدرت تبیینی ترکیب‌های علی با استفاده از شاخص‌های سازگاری و پوشش ارزیابی شده است. نتایج نشان می‌دهد هم‌زمانی شش شرط پیکربندی غالب توسعه ناقص اقتصادی ایران را در این بازه زمانی شکل داده است: ناسازگاری ژائری فرادستان، ضعف در تبعیت فرادستان از قوانین، ضعف تفکیک قوا، ضعف موازنه قدرت دولت و جامعه، ضعف ظرفیت دولت و غلبه رابطه‌گرایی بر ضابطه‌گرایی. سطح بالای سازگاری (۱) و پوشش (۰.۹) بیانگر قدرت تبیینی این ترکیب و ماهیت غیرخطی فرایند توسعه است. در میان این عوامل، ناسازگاری ژائری و ضعف در تبعیت از قوانین شروط لازم و برجسته است. توسعه ناقص اقتصادی ایران در این دوره حاصل تعامل هم‌زمان چند عامل نهادی-سیاسی است، نه متغیری منفرد. چارچوب پیشنهادی در تحلیل کشورهای در حال توسعه با نهادهای سیاسی مشابه کاربرد خواهد داشت و بر اهمیت پیکربندی نهادی در فرایند توسعه تأکید می‌شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳	
<b>واژگان کلیدی:</b> پهلوی دوم، توسعه اقتصادی، سقوط رضاشاه، مجموعه‌های فازی، نهادهای سیاسی.	

ارجاع به این مقاله: میسایی ق، دین پرست ف. (۱۴۰۴). «نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی ایران از سقوط رضاشاه تا ۱۳۵۷ش». *مطالعات کشورها*. ۹(۴): ۱-۴۶. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2026.410179.1443>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: [jcountst@ut.ac.ir](mailto:jcountst@ut.ac.ir)  
 شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

نویسنده مسئول: ✉ [faez.dinparast@gmail.com](mailto:faez.dinparast@gmail.com) <https://orcid.org/0000-0001-7329->

2794

## ۱. مقدمه

موضوع پژوهش حاضر توسعه در کشور ایران از انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۵۷ش است. توسعه در ایران یکی از مناقشه‌برانگیزترین و درعین حال، پایدارترین مسائل اندیشه اجتماعی و سیاسی معاصر بوده است. تجربه تاریخی ایران نشان می‌دهد که توسعه در ایران فرایندی یکنواخت و مستمر نبوده و در طول تاریخ معاصر با نوسان‌ها و گسست‌های متعددی همراه بوده است. در برخی مقاطع، شاخص‌های رشد اقتصادی و نوسازی بهبود یافته‌اند، در حالی که در مقاطع دیگر، اقتصاد کشور با رکود، بی‌ثباتی و ناکارآمدی‌های مواجه بوده است. از این رو، پرسش از چرایی ناتوانی ایران در تبدیل رشدهای مقطعی به توسعه‌ای مستمر، همچنان مسئله‌ای حل نشده باقی مانده است.

در خصوص فرایند توسعه ایران و این سؤال که چرا علی‌رغم سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های متعدد توسعه‌محور، فرایند توسعه اقتصادی در ایران به نتایج مستمر و فراگیر منجر نشده است، و یا اینکه چرا رشدهای مقطعی در تاریخ اقتصادی ایران به توسعه اقتصادی مستمر در این کشور نینجامیده است، هر یک از اندیشمندان از منظر خاصی به موضوع نگریسته‌اند.

برخی در توسعه نیافتگی ایران بر ویژگی‌های جغرافیایی تأکید دارند، از جمله بر کم‌آبی ایران، پراکندگی اجتماعات در کشور ایران، مشکل بودن دسترسی به برخی مناطق جغرافیایی و نبود شرایط مناسب برای کشاورزی (Clawson, 1993؛ زیباکلام، ۱۴۰۰؛ کاتوزیان، ۱۴۰۰؛ ۱۴۰۱). بدین ترتیب، ویژگی‌های جغرافیایی ذکر شده مانع از توسعه ایران شده است.

برخی دیگر بر ویژگی‌های فردی و چیزی تأکید دارند که آن را «خلقیات خاص ایرانی‌ها» یاد می‌کنند و مغایر با توسعه می‌دانند. شخصیت پرورش نیافته ایرانیان، ضعف فرهنگ کار جمعی، انتقادناپذیری، پنهان کاری، خودممداری، دروغ‌گویی، ضعف گفتگو، پذیرش بی‌قیدوشرط خواسته‌های افراد مافوق از سوی زیردستان و روابط اجتماعی مبتنی بر تعبد و اطاعت محض از رئیس از جمله ویژگی‌هایی است که این افراد بر آن تأکید می‌کنند و آن را مانع توسعه ایران در نظر می‌گیرند (فراستخواه، ۱۴۰۱؛ سریع‌الکلم، ۱۴۰۱؛ غنی‌نژاد، ۱۳۹۷؛ نراقی، ۱۳۹۹؛ سونگ‌یو، ۱۳۷۷؛ رضاقلی، ۱۳۶۷؛ ۱۳۷۷).

برخی دیگر در بررسی عوامل توسعه نیافتگی ایران اولویت را به عوامل اقتصادی می‌دهند، چراکه توسعه از اقتصاد شروع می‌شود و بر عواملی مانند

عدم انباشت سرمایه در ایران، عدم شکل‌گیری فئودالیسم در ایران، شیوه تولید در ایران، نفتی شدن اقتصاد ایران و نبود نظام اقتصادی آزاد و رقابتی در ایران تأکید می‌کنند (علمداری، ۱۳۸۹؛ Looney, 1977; Amuzegar, 1977; Bharier, 1971; Mahdavy, 1970; Pesaran, 1985; Mofid, 1987; Motamen, 1979).

برخی دیگر نیز بر ویژگی‌های کلان فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران تأکید می‌کنند و معتقدند که چندپارگی اجتماعی و فرهنگی، فرهنگ سیاسی پدرسالارانه، باورها و تنگناهای فرهنگی و کمبود سرمایه اجتماعی مانع توسعه‌یافتگی ایران شده است (بشیریه، ۱۳۸۷؛ عظیمی، ۱۳۹۴؛ رنانی و مویدفر، ۱۳۹۶؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۷؛ قاضی مرادی، ۱۳۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۶).

در نهایت، متفاوت‌تر از همه این دیدگاه‌ها، دیدگاهی است که در آن عوامل توسعه‌نیافتگی ایران، نه در داخل کشور، بلکه در خارج از کشور جستجو می‌شود. طبق این دیدگاه، وابستگی ایران به کشورهای دیگر و موقعیت آن در نظام جهانی باعث توسعه‌نیافتگی آن شده است (اشرف، ۱۳۵۹؛ بهنام، ۱۳۹۹؛ Saikal, 2009; Halliday, 1978; Keddie & Richard, 1981; Jazani, 1980).

اگرچه آثار و دیدگاه‌های موجود درباره عوامل توسعه‌نیافتگی ایران هر یک در جای خود اهمیت دارد، آنچه در این میان کمتر بدان توجه شده پژوهش‌های جامع و روش‌مند، تحلیل توسعه اقتصادی ایران از منظر عملکرد نهادهای سیاسی، و میزان تعهد آن‌ها به قواعد نهادی است. در این چارچوب، سقوط رضاشاه را می‌توان یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخی و نقاط عطف در فرایند نهادسازی سیاسی در ایران دانست؛ به‌ویژه آنکه از این دوره به بعد، تحولات مهمی را در تاریخ سیاسی ایران شاهد هستیم که بنیان‌های نظم نهادی جدید را شکل داده‌اند. در پژوهش حاضر، با تکیه بر رویکرد نهادگرایی جدید و استفاده از تحلیل ترکیبی، تلاش شده است این خلأ نظری و تجربی پر شود. بر همین اساس، در این پژوهش، با هدف مطالعه نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی کشور ایران در دوره مطالعه‌شده، در پی پاسخ به این پرسش بوده‌ایم:

- نهادهای سیاسی در دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش چه نقشی در توسعه اقتصادی ایران داشته‌اند؟

برای پاسخ به این پرسش، نخست با مرور مبانی نظری مرتبط، چارچوب نظری پژوهش طراحی شده است. سپس، با اتکا به روش تحلیل تاریخی-نهادهای

شواهد تاریخی بررسی شد تا از طریق راستی‌آزمایی تجربی، اعتبار چارچوب نظری پیشنهادی آزموده شود.

## ۲. مبانی نظری

نخست، در نظریه‌های توسعه بیشتر بر عوامل اقتصادی و تأثیر مستقیم آن‌ها بر رشد تأکید می‌شد و جوامع را در مسیر مراحل خطی توسعه می‌دیدند، همانند نظریه «مراحل رشد اقتصادی» رستو (Rostow, 1990). سپس، پژوهش‌هایی مطرح شد که توسعه اقتصادی را به‌طور غیرمستقیم به بهبود کارویژه‌های سیاسی، مانند کاهش خشونت و تسهیل مصالحه اجتماعی، مرتبط دانستند (Hibbs, 1973; Deutsch, 1961).

با گذشت زمان، تأکید نظریه‌های توسعه به سمت عوامل سیاسی منتقل و نقش نخبگان، ساختارهای اجتماعی و کارایی آن‌ها برجسته شد (بدیع، ۱۳۸۷). با ورود نهادگرایی در آثار هانتینگتون، توسعه سیاسی مبتنی بر «نهادینه‌شدن» و ویژگی‌هایی مانند قابلیت تطبیق، پیچیدگی، استقلال و پیوستگی نظام سیاسی دنبال شد (Huntington, 2006). فوکویاما، تحت تأثیر هانتینگتون، بر اهمیت نهادهای سیاسی در توسعه سیاسی جدا از رشد اقتصادی تأکید می‌کند و معتقد است فقدان نهادهای سیاسی کارآمد، حتی در صورت رشد اقتصادی، باعث بی‌ثباتی می‌شود (فوکویاما، ۱۳۹۷). او توسعه سیاسی را بر سه نهاد دولت، حاکمیت قانون و پاسخگوبودن استوار می‌داند و اولویت را به توسعه اقتدارگرا می‌دهد (Fukuyama, 2006) که نقدهایی از نبود تضمین پاسخگویی در آن مطرح شده است. در نهایت، قدرت بدون سازوکارهای کنترل، تنها به رشد اقتصادی محدود و آسیب‌پذیر می‌انجامد نه توسعه واقعی.

عجم‌اوغلو و رابینسون نهادهای سیاسی و اقتصادی را به دو دسته «فراگیر» و «بهره‌کش» تقسیم می‌کنند و توسعه کشورها را وابسته به نوع این نهادها می‌دانند. نهادهای فراگیر مالکیت امن، نظام حقوقی بی‌طرف و خدمات عمومی دارند، در حالی که نهادهای بهره‌کش فاقد این مؤلفه‌ها هستند. نهادهای سیاسی فراگیر نیز باید هم متمرکز و هم متکثر باشند. این دو نوع نهاد با هم پیوند دارند و به‌صورت چرخه‌های فضیلت (در جوامع با نهادهای فراگیر) یا ردیلت (در جوامع بهره‌کش) تداوم می‌یابند. مفاهیمی مانند «بزنگاه تاریخی» و «تخریب خلاق» نیز برای تحلیل تغییرات نهادی در این نظریه به کار می‌روند (عجم‌اوغلو و رابینسون،

(۱۳۹۵). آن‌ها، در «راه‌باریک آزادی»، بر توازن قدرت میان دولت و جامعه تأکید دارند: دولت باید هم مقتدر و هم مهارپذیر باشد تا آزادی حفظ شود (عجم‌اوغلو و رابینسون، ۱۴۰۱).

نورث و همکاران نیز در نظریه‌ی نظم‌های اجتماعی، دو نوع نظم را معرفی می‌کنند: نظم دسترسی محدود با ویژگی‌هایی همچون تمرکز سیاسی، رشد کند و روابط شخصی‌گرا؛ و نظم دسترسی باز که بر برابری، نهادهای غیرشخصی و مشارکت گسترده استوار است. گذار به نظم دسترسی باز از طریق ایجاد حاکمیت قانون برای نخبگان، سازمان‌های پایدار، و کنترل سیاسی بر ارتش امکان‌پذیر می‌شود (نورث و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱-۷۲).

## ۱.۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی است بر اصول نهادگرایی جدید، به‌ویژه نظریه‌های عجم‌اوغلو و رابینسون، و داگلاس نورث. توسعه مفهومی فراگیر در نظر گرفته شده است که ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و تقسیم‌بندی آن صرفاً با هدف تحلیلی است، چراکه توسعه واقعی مستلزم پیشرفت هم‌زمان در تمامی این حوزه‌هاست. بعد سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. هانتینگتون بر این نکته تأکید دارد که فقدان تحول سیاسی ممکن است فرایند توسعه را متوقف یا معکوس کند (Huntington, 2006). نظریه‌پردازانی همچون شیلز (Shils, 1960)، آلموند و پاول (Almond & Powell, 1966)، هانتینگتون (Huntington, 2006) و فوکویاما (۱۳۹۷) سیاست را نقطه آغاز توسعه می‌دانند. در این پژوهش، تمرکز بر نهادهای سیاسی معطوف شده است؛ نهادهایی که نورث (۱۳۹۷؛ ۱۳۹۸) آن‌ها را شامل قواعد رسمی، غیررسمی و اجرایی می‌داند مسیر توسعه را تعیین می‌کنند. در این میان، قواعد مساعد توسعه‌زا و قواعد معیوب بازدارنده محسوب می‌شوند. در تحلیل مطرح، با رویکردی تعاملی، توسعه محصول کنش متقابل اجزا و مؤلفه‌های مختلف محسوب می‌شود؛ از آنجا که توسعه نتیجه عوامل متعدد و نه عاملی منفرد است، برهم‌کنش آن‌ها ممکن است به توسعه مستمر و انباشته یا توسعه ناقص منجر شود. بر این اساس، چارچوب نظری این پژوهش با عنوان «چندضلعی متعادل متناجس/ نامتعادل نامتناجس» طراحی شده است تا روابط میان اضلاع مختلف توسعه و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به مسیرهای پیشرفت یا بازدارندگی کشور به‌طور یکپارچه مطالعه شود. در واقع، این چارچوب نظری تلاشی است برای عملیاتی‌کردن نظریه‌های نهادگرایی جدید در آثار عجم‌اوغلو و رابینسون، و داگلاس نورث و مفاهیمی همچون وابستگی به

مسیر، اجماع بین نخبگان و ظرفیت دولت در چارچوبی علی-ترکیبی. در ادامه، با توضیح هر یک از این اضلاع تلاش می‌کنیم تا این عنوان را تکمیل کنیم.

### ۱.۱.۲. ضلع نخست: سازگاری/ ناسازگاری ژانری<sup>۱</sup> در بین فرادستان

یکی از ارکان اساسی نهادهای سیاسی، میزان اجماع میان فرادستان درباره «قواعد بازی سیاسی» است (عجم‌اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۵؛ نورث، ۱۳۹۷). این طیف از اجماع کامل تا فقدان مطلق آن گسترده است و در حالت افراطی ممکن است به بروز درگیری‌های داخلی منجر شود. دلاوری (۱۴۰۱) مفهوم «سیاست تنازعی» را در کشورهای در حال توسعه مطرح کرد و نشان داد که فقدان اجماع پایدار میان نخبگان، عامل اصلی بی‌ثباتی سیاسی است.

در این پژوهش برای تحلیل دقیق‌تر این وضعیت، از مفهوم «سازگاری/ ناسازگاری ژانری» استفاده می‌شود. ناسازگاری ژانری به ناهم‌خوانی و عدم تناسب میان ویژگی‌ها، ارزش‌ها، ایده‌ها و ساختارهای فرادستان اشاره دارد؛ در چنین وضعیتی، تعارض و رقابت سیاسی افزایش می‌یابد و تصمیم‌گیری‌ها غالباً کوتاه‌مدت و غیرراهبردی می‌شوند. در مقابل، سازگاری ژانری وضعیتی است که در آن، هر چند تنوع و تفاوت میان فرادستان وجود دارد، همه تحت منطق روایی مشترک یا قواعد هماهنگی عمل می‌کنند. در این حالت، اختلاف‌های سبک و دیدگاه نه تنها به تعارض نمی‌انجامد، بلکه به غنای روایت سیاسی و افزایش خلاقیت در تصمیم‌گیری کمک می‌کند، درست مانند اثری هنری که در آن تلفیق سنجیده ژانرها به خلق ترکیبی منسجم و اثرگذار می‌انجامد.

### ۲.۱.۲. ضلع دوم: تقید/ ضعف در تقید فرادستان به قوانین

این مؤلفه به تمایز میان دولت‌هایی اشاره دارد که خود را مقید به قواعد و مقررات قانونی می‌دانند و دولت‌هایی که از چارچوب قانون فراتر می‌روند (نورث و همکاران، ۱۴۰۱). «حاکمیت قانون ضرورت توسعه اقتصادی است و بدون حق مالکیت روشن و شفاف و وجود ضمانت اجرایی برای قراردادهای، خارج شدن کسب‌وکار از حلقه کوچک اعتمادهای شخصی دشوار است» (فوکویاما، ۱۳۹۷: ۴۷). در این بستر، دو حالت انتزاعی خالص شناسایی می‌شود: یکی تقید کامل به قانون، و دیگری فقدان تقید به آن. تقید یا عدم تقید دولت به قانون، در تعیین حدود قدرت و شکل‌گیری نظم نهادی نقشی بنیادین ایفا می‌کند. از آنجاکه این مؤلفه‌ها در

1. genre compatibility/ incompatibility

مقایسه با سایر متغیرها اهمیت محوری دارد و بر شکل‌گیری سایر مؤلفه‌های توسعه اثرگذار است، می‌توان آن‌ها را پیش‌شرط‌های تحقق توسعه در نظر گرفت.

### ۳.۱.۲. ضلع سوم: تفکیک قوا/ ضعف در تفکیک قوا در نظام سیاسی

این مؤلفه به نقش تفکیک قوا در جلوگیری از تمرکز قدرت و استبداد اشاره دارد (مونتسکیو، ۱۳۴۹). در یک سوی این طیف، نظام‌های سیاسی به‌واقع تفکیک قوا را اعمال می‌کنند و ظرفیت‌های نظارتی و پاسخگویی میان نهادهای قدرت برقرار است؛ در حالی که در سوی دیگر، تفکیک قوا صرفاً صوری و نمایشی است و نهادها از استقلال و کارکرد واقعی محروم‌اند. این بعد نهادی، با تضمین توازن و پاسخگویی میان قوای اجرایی، مقننه و قضایی، زیربنای ساختاری توسعه محسوب می‌شود و بر توانایی کشور در ایجاد ثبات سیاسی و ارتقای کارآمدی نهادی تأثیر مستقیمی دارد.

### ۴.۱.۲. ضلع چهارم: موازنه قدرت/ ضعف در موازنه قدرت در بین دولت و جامعه

این مؤلفه بیانگر آن است که هیچ حکومتی به‌طور ذاتی پاسخگو نیست، مگر آنکه از سوی جامعه تحت فشار و نظارت قرار گیرد. وجود جامعه‌ای توانمند و مطالبه‌گر موجب می‌شود حکومت به قوانین و خواست عمومی متعهد باشد (عجم‌اوغلو و رابینسون، ۱۴۰۱). عجم‌اوغلو و رابینسون (۱۴۰۱) این عامل را یکی از عناصر حیاتی توسعه قلمداد می‌کنند. در این طیف، نظام‌ها ممکن است از جوامعی با موازنه نسبی قدرت میان دولت و جامعه تا جوامعی تقریباً تحت سلطه کامل حکومت، متغیر باشند.

### ۵.۱.۲. ضلع پنجم: روابط غیرشخصی در مقابل روابط شخصی

این مؤلفه به ماهیت ساختارهای اداری و مدیریتی دولت اشاره دارد و نشان می‌دهد که کیفیت روابط میان نهادها و عاملان سیاسی و اداری، بر کارآمدی و مشروعیت حکومت اثر مستقیم دارد. در نظام‌هایی که روابط شخصی و مبتنی بر وفاداری و ارادت است، تصمیم‌گیری‌ها غالباً تابع منافع فردی یا گروهی می‌شود و رانت‌خواری و فساد گسترش می‌یابد (نورث و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۳). در مقابل، نظام‌هایی که روابط غیرشخصی و مبتنی بر قواعد شفاف، قانون‌مند و شایسته‌سالار دارند، پیش‌بینی‌پذیری تصمیم‌ها، عدالت توزیعی و کارآمدی نهادی افزایش می‌یابد و زمینه برای توسعه مستمر فراهم می‌شود (نورث و همکاران، ۱۴۰۱).

## ۶.۱.۲. ضلع ششم: ظرفیت دولت / ضعف در ظرفیت دولت

این مؤلفه به توانایی دولت در طراحی و اجرای سیاست‌های کلان و عرضه خدمات عمومی اشاره دارد. ظرفیت دولت عبارت است از استقلال بوروکراسی، قابلیت جمع‌آوری و مدیریت منابع، و توانمندی در تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌ها. در غیاب چنین ظرفیت‌هایی، دولت از قدرت برنامه‌ریزی مؤثر و هدایت فرایندهای توسعه محروم می‌شود و توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه به شدت کاهش می‌یابد (فوکویاما، ۱۳۹۷).

با توجه به این شش ضلع، در نهایت می‌توان انتظار ظهور دو ویژگی یا محور اصلی را در سطح جامعه داشت:

- میزان ضابطه‌مندی یا پیش‌بینی‌پذیری رفتار حاکمان؛
- میزان پیش‌بینی‌پذیری رفتار مردم.

وضعیت کشورها در این شش محور نهادی و برآیند آن‌ها در دو محور «پیش‌بینی‌پذیری» و «پیش‌بینی‌ناپذیری» که پیش‌تر شرح دادیم، بر ساختار اقتصادی آثار مستقیم و تعیین‌کننده‌ای دارد. بسته به شدت و میزان تحقق ویژگی‌های هر محور، حیات اقتصادی کشور شکل می‌گیرد و از ویژگی‌های زیر برخوردار می‌شود:

- امنیت مالکیت خصوصی. نهادهای سیاسی، حقوق مالکیت و اجرای آن را تعیین می‌کنند و میزان امنیت مالکیت به کیفیت و پایداری فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری بلندمدت بستگی دارد (نورث، ۱۳۹۷: ۱۷۱ و ۲۱۸).
- نظام مبادله غیرشخصی / شخصی. گذار از روابط شخصی مبتنی بر رفاقت و ارادت به ساختارهای غیرشخصی مبتنی بر قانون و شایسته‌سالاری، هرچند پرهزینه، بنیان رشد اقتصادی مدرن را شکل می‌دهد (نورث، ۱۳۹۸: ۱۵۹ و ۲۱۳).
- کاهش / افزایش هزینه‌های مبادله. سازوکارهای نهادی کارآمد، هزینه‌های مبادله را کاهش و شفافیت و کارایی تراکنش‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد، درحالی‌که نهادهای ناکارآمد هزینه‌ها و ناکارآمدی را افزایش می‌دهند.
- ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری بلندمدت / توزیعی و رانتی. ساختار نهادی نوع مهارت‌ها، تمایلات سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی را تعیین می‌کند. در نظام‌های ناکارآمد، انگیزه برای

فعالیت‌های تولیدی و انباشت سرمایه محدود است و به جای آن، فعالیت‌های رانتهی و کوتاه‌مدت غالب می‌شود. با توجه به توضیح‌های گفته‌شده دربارهٔ دو مدل مطرح از نقش نهادهای سیاسی در وضعیت توسعهٔ کشورها، مدل تحلیلی این پژوهش در قالب شکل ۱ ترسیم شده است. این مدل بیان‌کنندهٔ دو مسیر وضعیت متفاوت در توسعهٔ کشورها با توجه به ویژگی‌های نهادهای سیاسی در آنهاست.

### ۳. روش پژوهش

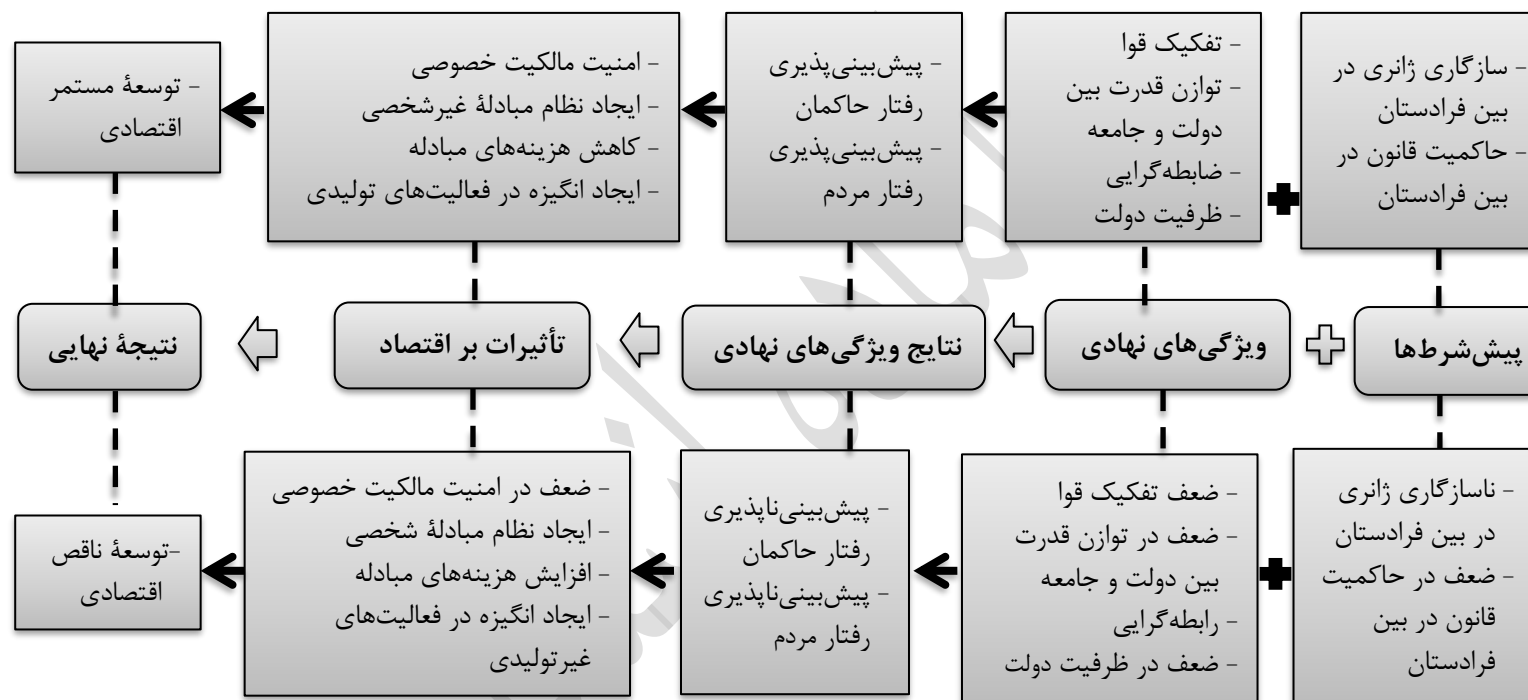
پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی-تطبیقی است، با هدف بررسی مسئله‌ای اساسی در فرایند توسعهٔ ایران. داده‌ها با روش اسنادی-کتابخانه‌ای و از منابعی چون کتاب‌ها، مقالات، اسناد تاریخی، سفرنامه‌ها و خاطرات گردآوری شده است.

#### ۱.۳. تعریف عملیاتی مفاهیم پژوهش

برای سنجش مفاهیم نظری، هفت مفهوم اصلی بر اساس چارچوب مفهومی تحقیق عملیاتی‌سازی شد. شاخص‌ها با دقت تفکیک و از مطالعات پیشین استخراج شده است تا از هم‌پوشانی و تکرار جلوگیری شود.

#### ۲.۳. شیوهٔ پژوهش

با توجه به ماهیت تاریخی پژوهش و تمرکز آن بر نقش نهادهای سیاسی در توسعهٔ اقتصادی، از روش مقایسه‌ای کیفی و شیوهٔ تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعهٔ فازی (FsQCA) استفاده شده است. این روش را چارلز راگین معرفی کرد و برای مطالعات با حجم نمونهٔ محدود مناسب است و امکان تحلیل هم‌زمان، هم‌پایه و نامتقارن علل را فراهم می‌سازد (Canel & Voltmer, 2014). منطق انتخاب FsQCA، تولنایی این روش در تحلیل علّیت‌های ترکیبی و بررسی اثر هم‌زمان چندین شرط علّی در بسترهای تاریخی محدود است؛ امری که آن را به ابزاری مناسب برای تحلیل توسعه در دوره‌های تاریخی بدل می‌سازد. برخلاف مجموعه‌های کلاسیک، در مجموعه‌های فازی، درجات عضویت پیوسته بین ۰ و ۱ در نظر گرفته می‌شود (Ragin, 2007). در این پژوهش، طیف شش‌ارزشی عضویت عبارت بود از عضویت کامل (۱)، بیشتر عضو (۰.۸)، کم‌وبیش عضو (۰.۶)، کم‌وبیش غیرعضو (۰.۴)، بیشتر غیرعضو (۰.۲) و کاملاً غیرعضو (۰).



منبع: نگارندگان

شکل ۱. مدل تحلیلی نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی کشورها

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعریف عملیاتی	شاخص‌ها
۱	روابط بین فراستان	• سنّت‌های اعمال اقتدار نخبگان
		• چنددستگی‌های مصالحه‌ناپذیر میان نخبگان
		• میزان پذیرش قواعد بازی سیاسی • طبع نخبگان حاکم (انعطاف‌پذیری یا انحصارطلبی)
۱	الگوهای رقابت و توزیع قدرت	• ماهیت رقابت سیاسی و میزان تنش در آن
		• چالش بر سر قدرت میان گروه‌های نخبه
		• شیوه انتقال قدرت • اعتبار انتخابات نزد نخبگان • نگرش به رقابت: بازی حاصل جمع صفر یا غیرصفر
۱	مشروعیت و نمایان‌گری ساختار قدرت	• مشروعیت طبقه حاکم از دید سایر نخبگان
		• شکاف‌های قومی، دینی و طبقاتی در ساختار دولت
		• بازنمایی گروه‌های اجتماعی در ساخت قدرت
۱	نگرش نخبگان به حقوق سیاسی شهروندان	• نگرش نخبگان به مشارکت سیاسی مردم
		• حق انتخاب دولت توسط شهروندان
		• نگرش به آزادی بیان، تجمع، رسانه‌ها
۱	استقلال و کارآمدی قوه قضاییه	• استقلال قوه قضاییه از بازی‌های سیاسی
		• امنیت قضات در برابر فشارهای سیاسی
		• یا قدرت‌های دیگر • روش انتصاب قضات: شایسته‌سالار یا سیاسی
۲	وضعیت تبعیت فراستان از قوانین	• درک عمومی از استقلال دستگاه قضایی
		• دیدگاه وکلا و دانش‌گله‌ین درباره استقلال قضایی
		• تصورات فساد یا نفوذ ناروا در قوه قضاییه • ارزیابی رفتار قضایی در پرونده‌های حساس سیاسی
۲	پاسخگویی طبقه حاکم در برابر قانون	• شفافیت و پاسخگویی طبقه حاکم
		• شهرت مثبت یا منفی فراستان در پای‌بندی به قانون
		• تمایل به تسلیم‌شدن به تصمیم‌های قضایی
۲	فساد سیاسی در طبقه حاکم	• میزان فساد در طبقه حاکم
		• برداشت عمومی از فساد نخبگان

ش.ق.	متغیر	تعریف عملیاتی	شاخص‌ها
		تعریف و تحدید اختیارات و مسئولیت‌های قوا	
			قوه مقننه: تصویب یا رد بودجه، استیضاح وزرا یا رئیس‌جمهور، و تأیید برخی انتصابات
۳	تفکیک قوا	سازوکارهای کنترل و توازن	قوه مجریه: صدور دستورهای اجرایی، اعمال حق وتو، و پیشنهاد قضات قوه قضاییه: بررسی قضایی قوانین و تصمیم‌های اجرایی و اعلام مغایرت آنها با قانون اساسی
		قانونمندی بودن فرایند اصلاح اختیارات قوا	• رعایت چارچوب‌های قانونی
		آگاهی مدنی	• سواد مدنی • آموزش عمومی باکیفیت
		عدالت اجتماعی و اقتصادی	• توازن بهره‌مندی از خدمات دولتی میان نخبگان و اقشار مختلف مردم
		آزادی رسانه و شفافیت	• مطبوعات آزاد، تنوع مالکیت رسانه‌ها و دسترسی آزاد به اطلاعات دولتی • نبود سانسور و تضمین حقوق رسانه‌ها
۴	توازن قدرت دولت و جامعه	حکمرانی نظامی	• استفاده داخلی از ابزار نظامی برای سرکوب سیاسی و حذف رقبا • انتخابات عادلانه، رقابتی و با نظارت
		فرایندهای انتخاباتی آزاد و منصفانه	• نهادهای مستقل • وجود احزاب آزاد و مستقل و سازمان‌های غیردولتی اثرگذار
		پاسخگویی و تمرکززدایی دولت	• توزیع قدرت به ایالت‌ها یا مناطق محلی
		رابطه‌گرایی در نظام اداری و مدیریتی کشور	• فرایندهای اداری شفاف، تخصص‌محور و مبتنی بر قانون • ملاک‌های نحوه استخدام در سازمان‌های اداری و دولتی • استقلال یا وابستگی بوروکرات‌ها از
۵		ویژگی‌های نظام اداری و مدیریتی کشور	

شاخص‌ها	تعریف عملیاتی	متغیر	شماره
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ملاحظات سیاسی و شخصی</li> <li>• ملاک‌های انتخاب افراد در جایگاه‌های مدیریتی</li> <li>• سوءاستفاده از موقعیت شغلی برای منافع شخصی یا گروهی، پارتی‌بازی، تبعیض در استخدام و تخصیص منابع</li> </ul>			
<ul style="list-style-type: none"> <li>• بوروکراسی کارآمد، حرفه‌ای و غیرسیاسی</li> <li>• هماهنگی سازمانی و بین‌بخشی</li> </ul>	ظرفیت بوروکراتیک		
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تأمین زیرساخت‌های اساسی (حمل‌ونقل، انرژی، ارتباطات)</li> </ul>	زیرساخت‌ها و خدمات عمومی		
<ul style="list-style-type: none"> <li>• توانایی دولت در جمع‌آوری مالیات</li> <li>• استقلال نسبی دولت از گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار</li> </ul>	توان مالی دولت و استقلال نهادی	ظرفیت دولت	۶
<ul style="list-style-type: none"> <li>• توانایی دولت در اعمال انحصاری و قانونی خشونت، تأمین امنیت عمومی و مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی</li> <li>• اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی</li> </ul>	تأمین امنیت داخلی		
<ul style="list-style-type: none"> <li>• رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (GDP)</li> <li>• رشد تولید بخش‌های مختلف اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات)</li> <li>• سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی</li> </ul>	رشد تولید اقتصادی		
<ul style="list-style-type: none"> <li>• کاهش درصد فقر و محرومیت</li> <li>• شاخص جینی و توازن درآمدی</li> <li>• دسترسی عادلانه به خدمات عمومی (آموزش، بهداشت و مسکن)</li> <li>• فرصت‌های شغلی برابر برای گروه‌های مختلف اجتماعی و مناطق جغرافیایی</li> <li>• شفافیت و عدالت در سیاست‌های مالی و مالیاتی</li> <li>• امنیت شغلی و کیفیت زندگی کارگران و اقشار محروم</li> </ul>	بهبود توزیع اقتصادی	توسعه اقتصادی	۷

منبع: نگارندگان

به منظور عملیاتی کردن این روش در این پژوهش، نخست، دوره زمانی پژوهش را به چهار دوره مجزا تقسیم کردیم و در قالب این دوره‌ها پژوهش را پیش بردیم. واحد تحلیل، این دوره‌های تاریخی است:

دوره نخست: از سقوط رضاشاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش؛

دوره دوم: بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش تا سال ۱۳۴۲ش؛

دوره سوم: بعد از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش؛

دوره چهارم: از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش.

این تقسیم‌بندی مبتنی بر نقاط عطف نهادی-سیاسی با پیامدهای مستقیم اقتصادی است؛ از جمله سقوط رضاشاه، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، اصلاحات نهادی دهه ۱۳۴۰ش و جهش درآمدهای نفتی دهه ۱۳۵۰ش. هدف از این تفکیک، شناسایی دوره‌هایی با آرایش نهادی متفاوت برای تحلیل علی-ترکیبی است. فرایند تحلیل با کالیبره کردن داده‌ها بر اساس دانش نظری و تجربی پژوهشگر انجام و نمرات عضویت از طریق تخصیص اولیه و اصلاح بر مبنای داده‌های بازه‌ای تعیین شد (Canel & Voltmer, 2014). در ادامه، مجموعه‌های فازی مربوط به متغیر وابسته (توسعه ناقص اقتصادی) و متغیرهای مستقل ساخته و تحلیل نهایی اجرا شده است. توسعه اقتصادی در این پژوهش ناظر بر افزایش درآمد و رفاه، توزیع عادلانه منابع و فراهم‌سازی محیطی امن و باثبات برای فعالیت‌های اقتصادی است. شاخص‌های استفاده‌شده عبارت بود از تولید ناخالص داخلی، فقر، نابرابری، درآمد سرانه، بیکاری و امید به زندگی. با توجه به محدودیت داده‌های دقیق اقتصادی در دوره تاریخی بررسی‌شده، از توصیف‌های پژوهشگران درباره وضعیت اقتصادی آن دوره استفاده و مجموعه فازی توسعه اقتصادی بر اساس جدول ۲ تحلیل شد.

پس از تعیین مجموعه فازی توسعه ناقص اقتصادی به‌عنوان پیامد بررسی، شرایط علی مؤثر بر تحقق این پیامد و نفی آن (وضعیت توسعه‌یافتگی) تحلیل شد. بر اساس چارچوب نظری پژوهش، عوامل تعیین‌کننده توسعه‌یافتگی یا توسعه ناقص اقتصادی عبارت است از سازگاری/ناسازگاری ژانری میان فرادستان، میزان تبعیت فرادستان از قانون، تفکیک قوا در ساختار دولت، توازن قدرت میان دولت و جامعه، ویژگی‌های نظام اداری و مدیریتی، و ظرفیت دولت. کالیبره کردن این عوامل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. مجموعه فازی توسعه ناقص اقتصادی (نتیجه)

ردیف	گویه‌ها	عدد اختصاص داده شده
۱	وضعیت مطلوب اقتصادی اصلاً وجود ندارد و کشور در بدترین وضع اقتصادی قرار دارد. (عضویت کامل)	۱
۲	وضعیت مطلوب اقتصادی وجود ندارد، اما نه کاملاً. (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۸
۳	وضعیت اقتصادی کم‌وبیش مطلوب نیست. (کم‌وبیش عضو)	۰.۶
۴	وضعیت اقتصادی کم‌وبیش مطلوب است. (کم‌وبیش غیر عضو)	۰.۴
۵	وضعیت اقتصادی مطلوب است، اما کامل نیست. (بیشتر غیر عضو اما نه کامل)	۰.۲
۶	وجود وضعیتی مطلوب از نظر سطح رفاه مردم، توزیع عادلانه، و بستر امن و باثبات برای فعالیت‌های اقتصادی. (کاملاً غیر عضو)	۰

منبع: نگارندگان

جدول ۳. مجموعه‌های فازی علل

ردیف	عامل	گویه‌ها	نمره
۱	ناسازگاری ژانری در بین فرادستان	<ul style="list-style-type: none"> <li>تقابل بین فرادستان، به نحوی که مانع از استقرار یک نظام سیاسی مستقر شود. (عضویت کامل)</li> <li>نظام سیاسی ایجاد شده است، ولی در درون آن شاهد تقابل و کشاکش بین نیروهای سیاسی مختلف هستیم؛ در این شرایط مسئله توسعه جایگاهی ندارد. (بیشتر عضو اما نه کامل)</li> </ul>	۰.۸
۰.۶		<ul style="list-style-type: none"> <li>درون نظام سیاسی مستقر، یک جریان سیاسی مسلط می‌شود و جریان‌های دیگر را از عرصه رسمی سیاسی حذف می‌کند؛ در این شرایط اهداف توسعه‌ای بر اساس تمایلات شخصی و آرمان‌گرایانه و غیرکارشناسانه مطرح می‌شود. همین عامل باعث می‌شود افراد متخصص از عرصه سیاسی حذف شوند. (کم‌وبیش عضو)</li> </ul>	۰.۶
۰.۴		<ul style="list-style-type: none"> <li>سلطه جریانی خاص در عرصه سیاسی، ولی اهداف توسعه‌ای اهداف کارشناسانه و حساب‌شده با همکاری افراد متخصص پیش می‌رود و شخص</li> </ul>	۰.۴

ردیف	عامل	گویه‌ها	نمره
		• نهایی تصمیم‌گیر در خصوص اهداف توسعه‌ای و اقتصادی، انعطاف‌پذیری تاکتیکی دارد. (کم‌وبیش غیرعضو)	۰.۲
		• سیاست تنازعی در اکثر موارد جایگاهی ندارد. (بیشتر غیرعضو اما نه کامل)	
		• سیاست تنازعی در کشور جایگاهی ندارد. (کاملاً غیرعضو)	۰
		• تقابل بین فرادستان، به‌نحوی که مانع از استقرار یک نظام سیاسی شود. (عضویت کامل)	
۲	ضعف در تبعیت فرادستان از قانون	• فرادستان قانون را برای فرودستان به‌طور مستمر و باثبات اجرا می‌کنند، اما خود را مستثنی می‌دانند (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۸
		• فرادستان کم‌وبیش از قانون تبعیت نمی‌کنند. (کم‌وبیش عضو)	۰.۶
		• فرادستان کم‌وبیش از قانون تبعیت می‌کنند. (کم‌وبیش غیرعضو)	۰.۴
		• فرادستان بیشتر از قانون تبعیت می‌کنند. (بیشتر غیرعضو اما نه کامل)	۰.۲
		• فرادستان کاملاً از قانون تبعیت می‌کنند. (کاملاً غیرعضو)	۰
		• تفکیک قوا اصلاً رعایت نمی‌شود. (عضویت کامل)	
۳	ضعف در تفکیک قوا	• یک قوه به‌طور عملی تسلط دارد و قوای دیگر حضوری نمایشی دارند. (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۸
		• تحت تأثیر فضای هرج‌ومرج و بی‌نظمی سیاسی قوای مختلف، هر کدام ادعای قدرت دارند. (کم‌وبیش عضو)	۰.۶
		• تفکیک قوا کم‌وبیش رعایت می‌شود. (کم‌وبیش غیرعضو)	۰.۴
		• تفکیک قوا بیشتر رعایت می‌شود. (بیشتر غیرعضو اما نه کامل)	۰.۲
		• تفکیک قوا کاملاً رعایت می‌شود. (کاملاً غیرعضو)	۰
		• دولت بر مردم و جامعه تسلط کامل دارد. (عضویت کامل)	
۴	توازن قدرت بین دولت و	• دولت از طریق منابع قدرت خود و ضعف جامعه مدنی بیشتر بر جامعه برتری دارد. (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۸
		• دولت بر مردم و جامعه تسلط کامل دارد. (عضویت کامل)	۰.۱

ردیف	عامل	گویه‌ها	نمره
۵	رابطه‌گرایی در نظام اداری و مدیریتی کشور	• جامعه	۰.۶
		• دولت کم‌وبیش بر جامعه مسلط است. (کم‌وبیش عضو)	۰.۴
		• جامعه کم‌وبیش بر دولت مسط است. (کم‌وبیش غیرعضو)	۰.۲
		• جامعه بیشتر بر دولت برتری دارد. (بیشتر غیرعضو اما نه کامل)	۰
		• جامعه کاملاً بر دولت برتری دارد. (کاملاً غیرعضو)	۱
	ضعف در ظرفیت دولت	• همهٔ امور سیاسی به‌واسطهٔ روابط شخصی انجام می‌شود. (عضویت کامل)	۰.۸
		• اکثر امور سیاسی به‌واسطهٔ روابط شخصی انجام می‌شود. (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۶
		• روابط شخصی کم‌وبیش در امور سیاسی کاربرد دارد. (کم‌وبیش عضو)	۰.۴
		• روابط شخصی کم‌وبیش در امور سیاسی کاربرد ندارد. (کم‌وبیش غیرعضو)	۰.۲
		• روابط شخصی بیشتر در امور سیاسی کاربرد ندارد. (بیشتر غیرعضو اما نه کامل)	۰
۶	ضعف در ظرفیت دولت	• روابط شخصی اصلاً در امور سیاسی کاربرد ندارد. (کاملاً غیرعضو)	۱
		• دولت فاقد هرگونه ظرفیتی است. (عضویت کامل)	۰.۸
		• دولت بیشتر فاقد هرگونه ظرفیتی است. (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۶
		• دولت کم‌وبیش فاقد هرگونه ظرفیتی است. (کم‌وبیش عضو)	۰.۴
		• دولت کم‌وبیش دارای ظرفیت است. (کم‌وبیش غیرعضو)	۰.۲
		• دولت بیشتر دارای ظرفیت است. (بیشتر غیرعضو اما نه کامل)	۰
• دولت کاملاً دارای ظرفیت است. (کاملاً غیرعضو)			

منبع: نگارندگان

به‌منظور تعیین میزان عضویت موارد در مجموعه‌های فازی، امتیازها با اتکا به منابع متنوعی از جمله اسناد تاریخی، خاطرات سیاسیون، کتاب‌ها و مقالات علمی تخصیص داده شد. یکی از چالش‌های اساسی روش FsQCA در مطالعات کیفی، اتکای نمره‌دهی به استنباط پژوهشگر است که همواره با نقدهایی همراه بوده و تاکنون راه‌حلی قطعی برای آن مطرح نشده است.

در این پژوهش، برای کاهش این محدودیت، رویکردی ترکیبی اتخاذ شد. راهکار مطرح از این قرار است که نخست محققان شواهد تاریخی مرتبط با مجموعه‌های فازی ذکر شده و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن‌ها را که در تعریف عملیاتی مفاهیم ذکر می‌شود، از منابع مختلف جمع‌آوری کردند. در مرحله بعد، به منظور اتقان‌سازی نمرات و دوری از نمره‌دهی سلیقه‌ای و سوگیری پژوهشی، شواهد تاریخی‌ای که محققان به مجموعه‌های فازی در هر دوره تاریخی اختصاص دادند، در اختیار شش نفر از اساتید خبره در موضوع تحقیق قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد که در وهله نخست، در خصوص کفایت و صحت شواهد تاریخی هر یک از مجموعه‌های فازی اظهار نظر کنند؛ و در وهله دوم، بر اساس این شواهد تاریخی به این مجموعه‌های فازی از بین طیف شش درجه‌ای راگین، نمره اختصاص دهند. اگر در این روند اساتید به کمیت و کیفیت شواهد تاریخی ایرادی داشتند، ایرادها رفع و مجدد در اختیار آن‌ها قرار داده شد. در مرحله بعد، نمرات داده‌شده اساتید خبره جمع‌آوری شد. علاوه بر آن، محققان نیز به هر یک از مجموعه‌های فازی در دوره‌های تاریخی مختلف نمره دادند. در نهایت، میانگین نمرات محققان و خبرگان نمره نهایی هر مجموعه فازی لحاظ شد. از آنجاکه ممکن است میانگین به دست آمده کاملاً متناسب با درجات شش‌گانه مجموعه فازی نباشد، از معادله (۱) برای تبدیل میانگین نمرات به دست آمده به درجات شش‌گانه مجموعه فازی استفاده شد.

$$(1) \quad 0.6 = 0.69 \leq 0.5; 0.4 = 0.49 \leq 0.3; 0.2 = 0.29 \leq 0.1; 0 = 0.09 \leq 0$$

$$1 = 1 \leq 0.9; 0.8 = 0.89 \leq 0.7$$

در راستای تضمین روایی داده‌ها، افزون بر استفاده از منابع معتبر، از نظر خبرگان بهره گرفته شد و با بازخوانی مستمر داده‌ها و رجوع مداوم به مبانی نظری، اعتبار مفهومی تحلیل‌ها تقویت شد. همچنین، به منظور تأمین پایایی، تمامی مراحل پژوهش به‌طور دقیق مستندسازی و گزارش شد تا شفافیت روش‌شناختی حفظ شود. در مرحله تحلیل، پس از تشکیل جدول صدق، داده‌ها وارد نرم‌افزار FsQCA نسخه ۳.۰ شد و ترکیب‌های علی مرتبط با متغیر نتیجه استخراج شد. این ترکیب‌ها بر اساس شاخص‌های «سازگاری» و «پوشش» ارزیابی شد. مطابق معادله (۲) داریم (Ragin, 2007):

$$(2) \quad \text{سازگاری} (Xi \leq Yi) = \Sigma(\min(Xi, Yi)) / \Sigma(Xi)$$

که در آن،  $Xi$  بیانگر امتیاز عضویت در ترکیب علی و  $Yi$  نشان‌دهنده امتیاز عضویت در

نتیجه است. شاخص سازگاری میزان انطباق نظری میان شرط علی و نتیجه را نشان می‌دهد، در حالی که شاخص پوشش بیانگر اهمیت تجربی شرط علی در تبیین وقوع نتیجه است و مکمل شاخص سازگاری محسوب می‌شود (ibid).

#### ۴. یافته‌ها

##### ۱.۴. یافته‌های توصیفی

با توجه به شاخص‌سازی انجام‌شده و بهره‌گیری از روش‌های پژوهش، در این مرحله شواهد تاریخی مرتبط با متغیرهای تحقیق (علل و نتایج) بررسی و وضعیت هر یک بیان شده است.

##### ۱.۱.۴. روابط بین فرادستان

یافته‌ها نشان می‌دهد که دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش با فروپاشی تمرکز اقتدار رضاشاهی و شکل‌گیری ساختاری متکثر، ناپایدار و نئوپاتریمونیالیستی همراه بود. در این دوره روابط فرادستان بیشتر مبتنی بر رقابت‌های شخصی، بی‌اعتمادی و حذف متقابل بود تا اهداف نهادمند و توسعه‌محور (Keddie, 2003; Ansari, 2006). اشغال ایران و فشار خارجی، سلطنت محمدرضاشاه را در آغاز ضعیف کرد، اگرچه شاه با تکیه بر ارتش، بوروکراسی و دربار اقتدار شخصی خود را بازسازی کرد (سعیدی، ۱۴۰۱؛ آپتن، ۱۴۰۰). نوسان قدرت میان دربار، دولت، مجلس و نیروهای اجتماعی، عمر کوتاه کابینه‌ها و رقابت حاصل جمع صفر میان جریان‌های ملی‌گرا، سلطنت‌طلب، چپ و روحانیون، مانع شکل‌گیری اجماع نخبگانی و تداوم برنامه‌های توسعه شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹؛ گروه مهندسی خرد، ۱۴۰۰؛ Keddie, 2006). شکاف‌های عمیق بر سر مشروعیت سیاسی، حدود اقتدار سلطنت و آزادی‌های مدنی، همراه با خشونت سیاسی و مداخلات خارجی، فضای رقابت را تشدید کرد (Foran, 2019; Avery, 1965; Abrahamian, 1982). اگرچه احزاب و مطبوعات تا حدی فعال شدند (Katouzian, 2003; Chehabi, 1991)، تصمیم‌گیری سیاسی همچنان بسته باقی ماند و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش روند نهادسازی و مشارکت متوقف شد (Foran, 2019). در مجموع، بی‌انسجامی نخبگان، انحصارطلبی سلطنت و تعارض میان رویکردهای مردم‌سالارانه و اقتدارگرا موجب شد روابط میان فرادستان ناسازگاری ژانری بیابد. با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، روابط فرادستان سیاسی ایران تحت سلطه محمد رضا شاه و دربار قرار گرفت و انسجام نخبگان بر پایه وفاداری شخصی و حمایت خارجی بنا شد (آوری و همکاران، ۱۳۸۸؛ آپتن، ۱۴۰۰). پس از کودتای ۲۸ مرداد، شاه در کوتاه مدت ائتلافی متنوع از نظامیان، زمینداران و گروه‌های شهری را هماهنگ کرد، اما با حمایت مستقیم آمریکا و بریتانیا، ساختار اقتدار شخصی او بازسازی و کنترل ارتش، بوروکراسی و صنعت نفت در دست او متمرکز شد (عالیخانی، ۱۳۸۲؛ Baldwin, 1967). اختلافها میان تکنوکرات‌ها، درباریان و نظامیان گاه به بن‌بست سیاسی می‌انجامید، اما سلطه شاه و نبود سازوکارهای نهادی مانع رقابت نهادمند شد (Katouzian, 2003). سرکوب احزاب مستقل و ایجاد احزاب دست‌ساز، انتخابات را فاقد اعتبار کرد و آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی محدود شد (Chehabi, 1991; Keddie, 2006; Avery, 1965). تصمیم‌گیری‌های کلان و اجرای برنامه‌های توسعه منوط به دیدگاه شخص شاه بود و استقلال تکنوکرات‌ها محدود شد. این دوره نمایانگر تمرکز کامل قدرت، کاهش رقابت سیاسی و سرکوب آزادی‌های مدنی است. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، ۰.۶ (کم‌وبیش عضو) را نشان می‌دهد.

در دهه ۱۳۴۰ش، ساخت سیاسی ایران ترکیبی از اقتدار شخصی شاه و نهادسازی بوروکراتیک بود؛ تصمیم‌گیری‌های راهبردی بیشتر از طریق حلقه‌های درباری و وزارتخانه‌های کلیدی انجام می‌شد و سازوکارهای قانونی و رقابتی محدود و صوری بود (عالیخانی، ۱۳۸۲؛ علم، ۱۳۷۱). دستگاه امنیتی (ساواک) نقش مهار مخالفان و محدود کردن استقلال وزرا را ایفا می‌کرد (سعیدی، ۱۴۰۱). با این حال، تکنوکرات‌های مستقل، به‌ویژه در حوزه توسعه اقتصادی، مؤثر بودند، هر چند دخالت شاه محدودیت‌هایی ایجاد می‌کرد (عالیخانی، ۱۳۸۲؛ سعیدی، ۱۴۰۱). چنددستگی‌های درون حکومتی بیشتر از طریق انتصابات و توزیع رانت نفتی حل می‌شد و حذف نخبگان ملی-مذهبی و روشنفکران منتقد به فعالیت‌های زیرزمینی و مسلحانه انجامید (Abrahamian, 1982). سازوکارهای نمایشی مانند احزاب کنترل شده و انتخابات فاقد مشروعیت و رسانه‌ها و تجمعات تحت نظارت شدید دولت بودند (Keddie, 2006؛ ازغندی، ۱۳۸۲). مشروعیت طبقه حاکم نزد نخبگان سیاسی ضعیف بود و تنها تکنوکرات‌ها، به دلیل کارکرد اقتصادی، مشروعیت محدودی داشتند (Katouzian, 1981؛ آبراهامیان، ۱۳۸۶). به این

ترتیب، اقتدار فردمحور، کنترل شدید نهادها و محدودیت مشارکت عمومی رقابت سیاسی نمایشی و انتقال قدرت غیربوروکراتیک را تثبیت کرد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش، ۰.۴ (کم و بیش غیرعضو) را نشان می دهد.

در سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش، روابط فرادستان ایران تحت سلطه مطلق شاه و حلقه ای محدود از نزدیکان او قرار گرفت و انسجام نخبگان - به دلیل تمرکز قدرت، انحصارطلبی و رقابت رانتی - شکننده شد. تجربه دهه ۱۳۴۰ش نشان داد کاهش دخلت شاه ظرفیت تکنوکرات ها را افزایش داد، اما بازگشت مداخله مستقیم، هماهنگی تکنوکراسی را فروپاشاند و سیاست های توسعه ای بیشتر بر اساس ایده های شاه پیش رفت (سعیدی، ۱۴۰۱؛ دیگران و همکاران، ۱۳۷۷). اعلام حزب رستاخیز و حذف رقابت حزبی، مشروعیت رژیم را تضعیف و شکاف میان دولت، نخبگان و روحانیت را افزایش داد (آبراهامیان، ۱۳۸۹؛ علم، ۱۳۷۷). نگرش اقتدارگرایانه شاه به حقوق سیاسی و ایجاد ترس، مشارکت سیاسی را به «مشارکت تحمیلی» کاهش داد (آوری و همکاران، ۱۳۸۸؛ عالیخانی، ۱۳۸۲). در مجموع، انسجام شکننده، رقابت رانتی و تمرکز مطلق قدرت سبب شد ساختار قدرت بازنمایی مؤثر گروه های اجتماعی نداشته باشد و زمینه اجتماعی و سیاسی سقوط رژیم پهلوی فراهم شود. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به مجموعه فازی «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» در دوره زمانی ۱۳۵۲-۱۳۵۷ش، ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می دهد.

با توجه به آنچه گفتیم، نمره عضویت مجموعه فازی «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» در دوره های زمانی مختلف در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. نمرات مجموعه فازی «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان»

دوره زمانی (ش)	۱۳۲۰-۱۳۳۲	۱۳۳۲-۱۳۴۲	۱۳۴۲-۱۳۵۲	۱۳۵۲-۱۳۵۷
نمره عضویت در مجموعه فازی	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۶ (کم و بیش عضو)	۰.۴ (کم و بیش غیرعضو)	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)

#### ۲.۱.۴. تقید حاکمان به قوانین

یافته ها نشان می دهد که در سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، تبعیت فرادستان از قانون در شرایط تضعیف استقلال قضایی و دخالت های سیاسی و خارجی به شدت کاهش یافت. اشغال ایران و نفوذ قدرت های خارجی همراه با تمرکز اقتدار

محمد رضاشاه، حاکمیت قانون را مخدوش کرد و قضات در پرونده‌های حساس ناگزیر به تبعیت از دولت و دربار شدند (Foran, 2019; Avery, 1965؛ مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۲۵). نظام انتصاب سیاسی قضات، فقدان شایسته‌سالاری، و غلبه وفاداری‌های شخصی و جناحی، دستگاه قضایی را به نهادی وابسته و کم‌اثر تبدیل کرد (Millsbaugh, 1946؛ عالیخانی، ۱۳۸۲). اگرچه نشانه‌هایی از بازگشت نسبی اعتماد عمومی و تلاش برای استقلال قضایی وجود داشت (فروغی، ۱۳۹۶)، مداخله‌های مستقیم در پرونده‌های سیاسی و گسترش صلاحیت دادگاه‌های نظامی این روند را متوقف کرد (Katouzian, 1981؛ آوری، ۱۳۷۰). ضعف پاسخگویی، تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف و رواج فساد اداری، حتی در دولت‌های اصلاح‌طلب، بر چارچوب قانون‌گرایی تأثیر منفی داشت (سعیدی، ۱۴۰۱؛ آپتن، ۱۴۰۰؛ Millsbaugh, 1946). در مجموع، این شرایط مشروعیت نظام سیاسی را تضعیف و بی‌اعتمادی عمومی و بی‌ثباتی اجتماعی را تشدید کرد (Abrahamian, 2008; Foran, 2019). با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، پس از کودتای ۲۸ مرداد و تثبیت سلطنت محمد رضا پهلوی، قوه قضاییه در عمل، استقلال خود را از دست داد و به ابزاری برای تحکیم قدرت سیاسی تبدیل شد (Abrahamian, 1982; Keddie, 2006). دخالت ساواک و دولت، فشار بر قضات مستقل، انتصابات سیاسی و فساد ساختاری اعتماد عمومی و نخبگان به عدالت را تضعیف کرد (سعیدی، ۱۴۰۱؛ Foran, 1989). تمرکز قدرت در حلقه‌های محدود دربار، مداخله‌های شاه در برنامه‌های توسعه و ناکارآمدی مجلس، فقدان پاسخگویی و شفافیت مدیریتی را نشان داد (آوری، ۱۳۷۰؛ آبراهامیان، ۱۳۸۶؛ دیگران و همکاران، ۱۳۷۷). فساد سیاسی و اقتصادی، شامل تمرکز منابع و رانت‌جویی، اعتماد اجتماعی را کاهش داد و تلاش‌های نمادین برای کنترل فساد بی‌اثر بود (Avery, 1965). در مجموع، این دوره با ضعف شدید تبعیت فرادستان از قوانین، تضعیف استقلال قضایی و گسترش فساد مشخص شد. با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش، با وجود قانون اساسی مشروطه، استقلال

قضایی ایران محدود و قوه قضاییه تابع تصمیم‌های سیاسی و امنیتی شاه و ساواک شد. دادگاه‌های نظامی جایگزین دادگاه‌های عادی برای پرونده‌های حساس سیاسی شد و قضاات مستقل با تهدید برکناری یا بازنشستگی زودرس مواجه بودند (Abrahamian, 1982; Keddie, 2006). انتصابات رده بالا بیشتر بر اساس وفاداری سیاسی انجام می‌شد و معیارهای تخصصی نقشی نداشت (Katouzian, 1981; سعیدی، ۱۴۰۱). فقدان اعتماد عمومی و فساد گسترده مقامات، مشروعیت نظام قضایی را تضعیف کرد (Abrahamian, 1982; Katouzian, 1981). با این حال، حضور تکنوکرات‌ها در سطوح اجرایی اقتصادی و مقاومت آن‌ها مانع از گسترش کامل رفتارهای رانتی شد (سعیدی، ۱۴۰۱). با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش، نمره ۰.۴ (کم‌وبیش غیرعضو) را نشان می‌دهد.

در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش، استقلال و کارآمدی قوه قضاییه ایران به شدت کاهش یافت و این نهاد در عمل، در خدمت شاه و حلقه قدرت قرار گرفت. پرونده‌های سیاسی تحت نظارت مستقیم ساواک و وزارت دادگستری مدیریت می‌شد و دادگاه‌های نظامی و ویژه جایگاه دادگاه‌های مستقل را تضعیف کردند (Ansari, 2003; Foran, 2003; Abrahamian, 1982; Keddie, 2006; Abrahamian, 2019). فشار سیاسی بر قضاات افزایش یافت و انتصابات عالی‌رتبه بر اساس وفاداری به شاه و حزب رستاخیز انجام می‌شد، هرچند در سطوح میانی معیارهای شایسته‌سالاری محدودی رعایت می‌شد (Katouzian, 1981; Abrahamian, 1982). برداشت عمومی و نخبگانی از قوه قضاییه منفی بود و آن را ابزاری برای اجرای اوامر سیاسی می‌دانستند (Abrahamian, 1982; Keddie, 2006). فساد سیاسی و اداری گسترش یافت و قراردادهای اقتصادی بر پایه انگیزه‌های شخصی و سیاسی توزیع شد (Katouzian, 1981; Abrahamian, 1982). تمرکز قدرت در دربار و نظام تک‌حزبی، تصمیم‌گیری‌ها را غیرشفاف و بدون رعایت قانون کرد (Abrahamian, 1982; سعیدی، ۱۴۰۱). بنابراین، تبعیت فرادستان از قانون به حداقل رسید، استقلال قضایی از بین رفت و مشروعیت حاکمیت تضعیف شد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد. با توجه به توضیح‌های گفته شده، نمره عضویت مجموعه فازی «ضعف در تقید فرادستان از قوانین» در دوره‌های زمانی مختلف در جدول ۵ نشان داده شده است.

**جدول ۵. نمرات مجموعه فازی «ضعف در تبعیت فرادستان از قوانین»**

دوره زمانی (ش)	۱۳۲۰-۱۳۳۲	۱۳۳۲-۱۳۴۲	۱۳۴۲-۱۳۵۲	۱۳۵۲-۱۳۵۷
نمره عضویت در مجموعه فازی	۰.۸ (بیشتر)	۰.۸ (بیشتر)	۰.۴ (کم و بیش)	۰.۸ (بیشتر)
	عضو اما نه کامل)	عضو اما نه کامل)	غیر عضو)	عضو اما نه کامل)

#### ۳.۱.۴. تفکیک قوا در نظام سیاسی

یافته‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، اصل تفکیک قوا در ایران بیش از آنکه مبتنی بر الزام‌های نهادی و قانون اساسی باشد، تحت تأثیر ضعف نهادها، مداخله‌های سیاسی و فشارهای خارجی قرار داشت (Ansari, 2003)؛ دیگر و همکاران، ۱۳۷۷). دخالت مستمر شاه، نفوذ دربار و سازش‌های سیاسی، به‌ویژه در قانونگذاری و اجرای سیاست‌ها، مانع تحقق کارآمد این اصل شد (آبراهامیان، ۱۳۸۶). مجلس شورای ملی، به‌دلیل بی‌ثباتی کابینه‌ها و نفوذ گروه‌های فشار، نتوانست نقش مؤثر خود را در توازن قوا ایفا کند (آوری، ۱۳۷۰)؛ مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۲۴-۱۳۳۲). تغییر در اختیارات قوا، مانند گسترش صلاحیت دادگاه‌های نظامی، بیشتر تحت فشار سیاسی و نه مسیر قانونی صورت گرفت و استقلال قضایی را تضعیف کرد (Katouzian, 1981)؛ مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۳۱). در مجموع، ناکارآمدی سازوکارهای کنترل و توازن و غلبه مصلحت‌جویی‌های کوتاه‌مدت باعث شد تفکیک قوا تحقق نیابد. با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، نمره ۰.۶ (کم و بیش عضو) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، پس از کودتای ۲۸ مرداد، تفکیک قوا در ایران در عمل، از میان رفت و تمامی قوا تحت سلطه مستقیم شاه قرار گرفت. نخست‌وزیران و وزرا صرفاً تابع اراده شاه بودند و انتخابات مجلس و سنا به نهادی فرمایشی تبدیل شد، به طوری که مخالفت با سیاست‌های سلطنت محدود و کم‌اثر بود (کدی، ۱۳۸۶؛ سعیدی، ۱۴۰۱؛ آوری، ۱۳۷۱؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹؛ فوران، ۱۳۸۶). قوه قضاییه استقلال خود را از دست داد و تحت نفوذ وزارت کشور و ساواک، به ابزاری برای اجرای سیاست‌های امنیتی بدل شد (عالیخانی، ۱۳۸۲). تمرکز قدرت همراه با نفوذ ارتش و ساواک، سازوکارهای کنترل و توازن قوا را ناکارآمد ساخت (Katouzian, 2003)؛ دیگر و همکاران، ۱۳۷۷). اصلاحات اقتصادی و اجتماعی نیز بیشتر با فرمان شاه و بدون مشارکت نهادهای قانونی

انجام شد و مشروعیت آن محدود بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹؛ بالدوین، ۱۴۰۱). در نتیجه، تفکیک قوا بی اثر شد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می دهد.

در دهه ۱۳۴۰ ش، هرچند در قانون اساسی مشروطه، قوا تعریف شده بود، اختیارات واقعی در دست شاه و نزدیکان او متمرکز بود. شاه اختیار تعیین نخست وزیر، انحلال مجلس و هدایت سیاست های کلان را داشت و تصمیم ها بیشتر از طریق حلقه های درباری و نفوذ ساواک اتخاذ می شد (Abrahamian, 1981; Katouzian, 1982). نخست وزیران و وزرا از افراد مورد اعتماد شاه انتخاب و نمایندگان مجلس بر اساس وفاداری مطلق تعیین می شدند (دیگار و همکاران، ۱۳۷۷). سازوکارهای نظارت و توازن، از جمله کنترل مجلس و استقلال قضایی، ناکارآمد بود و اصلاحات قوا بیشتر بدون رعایت فرایند قانونی انجام می گرفت (Keddie, 2006؛ علم، ۱۳۷۱؛ عالیخانی، ۱۳۸۲). در نتیجه، در بازه زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ ش، تفکیک قوا صوری باقی ماند، نهادهای قانونی توان مؤثر نداشتند و مشروعیت و اعتماد عمومی کاهش یافت. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می دهد.

در سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ ش، تمرکز قدرت در دست شاه و تأسیس حزب رستاخیز در عمل، تفکیک قوا را از میان برد و قوه مجریه محور اصلی تصمیم گیری شد و مجلس و قوه قضاییه توان مؤثر نظارت یا کنترل را از دست دادند (Ansari, 2003). شاه اختیار تعیین نخست وزیر، انحلال مجلس و هدایت سیاست های کلان را داشت و سازوکارهای سنتی کنترل و توازن قوا، شامل نقش نظارتی مجلس و استقلال قضایی، در عمل، بی اثر شد (Katouzian, 1981; Abrahamian, 1982; Keddie, 2006). اصلاحات نهادی بدون رعایت فرایند قانونی و با مشورت نمایی مجلس انجام می شد (عالیخانی، ۱۳۸۲؛ علم، ۱۳۸۲). در نتیجه، استقلال نهادی قوا کاهش یافت، سازوکارهای قانونی به ابزار تأیید اراده شاه بدل و مشروعیت سیاسی حکومت تضعیف شد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می دهد. با توجه به

توضیحات گفته شده، نمره عضویت مجموعه فازی «ضعف در تفکیک قوا» در دوره‌های زمانی مختلف در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. نمرات مجموعه فازی «ضعف در تفکیک قوا»

دوره زمانی (ش)	۱۳۲۰-۱۳۳۲	۱۳۳۲-۱۳۴۲	۱۳۴۲-۱۳۵۲	۱۳۵۲-۱۳۵۷
نمره عضویت در مجموعه فازی	۰.۶ (کم و بیش عضو)	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)

#### ۴.۱.۴. موازنه قدرت بین حکومت و جامعه

یافته‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، توازن قدرت میان دولت و جامعه در ایران تحت اشغال خارجی، مداخله‌های سیاسی و ضعف نهادهای پاسخگو شکل گرفت و به سود دولت باقی‌مانده (دیگار و همکاران، ۱۳۷۷؛ Avery, 1965). هرچند فعالیت احزاب، مطبوعات و آگاهی مدنی در میان نخبگان شهری و ملی‌گرا افزایش یافت، فشارهای امنیتی، نفوذ نهادهای سلطنتی و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی مانع تعمیم آن به بدنه جامعه شد (Abrahamian, 1982; Katouzian, 2003; فروغی، ۱۳۹۶). نابرابری اقتصادی و حذف گروه‌های فرودست از تصمیم‌گیری، همراه با ناکامی در اصلاحاتی مانند ملی‌شدن نفت، مشروعیت دولت را تضعیف و نارضایتی اجتماعی را افزایش داد (Abrahamian, 1982; Foran, 2019). آزادی رسانه و شفافیت نیز محدود و ناپایدار بود (آوری، ۱۳۷۰؛ عالیخانی، ۱۳۸۲) و فرایندهای انتخاباتی و پاسخگویی دولت تحت نفوذ دربار و نیروهای نظامی قرار داشت (Avery, 1965; Foran, 2019). در مجموع، توازن قدرت شکننده و نابرابر باقی‌ماند. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، نمره ۰.۶ (کم و بیش عضو) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، توازن قدرت میان دولت و جامعه به شدت به نفع دولت و نهادهای امنیتی متمرکز شد و طرح‌های آموزشی و بوروکراتیک بیشتر ابزار تثبیت نظم سیاسی بود (عالیخانی، ۱۳۸۲). هرچند آگاهی مدنی تا حدی افزایش یافت، نابرابری آموزشی و اقتصادی ادامه داشت و رسانه‌ها و مطبوعات تحت کنترل ساواک و شاه نقش مستقل نداشتند (گروه مهندسی خرد، ۱۴۰۰؛ کاتوزیان، ۱۴۰۰؛ Parsa, 1989; Foran, 2019). سرکوب سیاسی گسترده و

محدودیت مشارکت واقعی، نهادهای مدنی را در عمل، غیرفعال کرد و انتخابات و احزاب نمایشی شدند (Abrahamian, 2008؛ آوری، ۱۳۷۱؛ آبراهامیان، ۱۳۸۶؛ Milani, 2008). در مجموع، این دوره با تمرکز قدرت شاه، کاهش آزادی‌های سیاسی و مدنی، گسترش حکمرانی نظامی-امنیتی و تضعیف جامعه مدنی مشخص شد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در بازه زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ ش، توازن قدرت به نفع دولت مرکزی و نخبگان نزدیک به شاه متمرکز شد و آگاهی مدنی و مشارکت عمومی محدود و کنترل شده باقی ماند. همچنین، جریان‌های مستقل مدنی و فرهنگی، به دلیل سرکوب پس از قیام ۱۵ خرداد و فشار نهادهای امنیتی، امکان سازماندهی مؤثر نداشتند (Abrahamian, 1982; Keddie, 2006; Ansari, 2003). اصلاحات اقتصادی و برنامه‌های توسعه صنعتی توزیع منابع و قدرت را محدود نگه داشت و نابرابری‌های اجتماعی، قومی و منطقه‌ای پابرجا بود (Katouzian, 1981; Abrahamian, 1982). سانسور رسانه‌ها و کنترل اخبار رادیویی و تلویزیونی، اطلاع‌رسانی مستقل و نظارت عمومی را محدود کرد (علم، ۱۳۷۱؛ ازغندی، ۱۳۸۲؛ Abrahamian, 1982). حکمرانی امنیتی و ساواک توان نظارت و مهار مخالفان را افزایش داد و هزینه فعالیت‌های سیاسی قانونی بالا رفت (Abrahamian, 1982; Keddie, 2006; Foran, 2019). فرایندهای انتخاباتی صوری بود و نمایندگان مجلس را بیشتر شاه تعیین می‌کرد، درحالی‌که نخبگان منتقد مشروعیت آن را فاقد اعتبار می‌دانستند (Abrahamian, 1982; Keddie, 2006; Avery, 1965). تمرکز قدرت و وابستگی تکنوکرات‌ها به مرکز موجب محدودیت پاسخگویی و ضعف نهادهای محلی شد (عالیخانی، ۱۳۸۲؛ سعیدی، ۱۴۰۱). بدین ترتیب، آگاهی مدنی، عدالت اجتماعی و اقتصادی، آزادی رسانه، مشارکت سیاسی و پاسخگویی دولت محدود بود و قدرت شاه و نخبگان نزدیک غالب شد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ ش، اگرچه سواد عمومی و زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی افزایش یافت، مشارکت مدنی و آموزش شهروندی محدود باقی ماند و

برنامه‌های آموزشی بیشتر در خدمت دولت و دربار بود (Katouzian, 1981). دسترسی به آموزش عالی و مراکز درمانی گسترش یافت، اما نابرابری شدید میان نخبگان وفادار به شاه و اقشار عمومی ادامه داشت و خدمات بیشتر در مناطق شهری متمرکز بود (گروه مهندسی خرد، ۱۴۰۰؛ دیگران و همکاران، ۱۳۷۷؛ Abrahamian, 1982). رسانه‌ها و انتخابات تحت کنترل حزب رستاخیز و ساواک قرار داشت، آزادی مطبوعات محدود و فعالیت احزاب مستقل ممنوع بود (Keddie, 2006؛ عالیخانی، ۱۳۸۲). ساواک و نیروهای نظامی برای سرکوب مخالفان به کار گرفته شدند و نهادهای محلی استقلال عملی نداشتند (Foran, 2019؛ Katouzian, 1981؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹). در مجموع، تمرکز قدرت شاه و حزب رستاخیز، محدودیت آزادی مدنی و کنترل مطلق رسانه‌ها و انتخابات، زمینه نارضایتی و تنش اجتماعی را تشدید کرد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش، نمره ۰.۶ (کم‌وبیش عضو) را نشان می‌دهد. با توجه به توضیح‌های گفته شده، نمره عضویت مجموعه فازی «ضعف در توازن قدرت بین دولت و جامعه» در دوره‌های زمانی مختلف در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. نمرات مجموعه فازی «ضعف در توازن قدرت بین دولت و جامعه»

دوره زمانی (ش)	۱۳۳۲-۱۳۲۰	۱۳۴۲-۱۳۳۲	۱۳۵۲-۱۳۴۲	۱۳۵۷-۱۳۵۲
نمره عضویت در مجموعه فازی	۰.۶ (کم‌وبیش عضو)	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۶ (کم‌وبیش عضو)

#### ۵.۱.۴. روابط شخصی در مقابل روابط غیرشخصی

یافته‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، نظام اداری و مدیریتی ایران تحت سیطره رابطه‌گرایی، نفوذ سیاسی و شبکه‌های شخصی و قومی باقی ماند و از شکل‌گیری بوروکراسی شفاف و تخصص‌محور بازماند (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۲۲؛ فروغی، ۱۳۹۶). انتصابات و استخدام‌ها بیشتر بر پایه وفاداری سیاسی، روابط خانوادگی و قومی بود و معیارهای شایستگی به حاشیه رانده شد (سعیدی، ۱۴۰۱؛ Keddie & Richard, 1981). این وابستگی سیاسی استقلال بوروکراسی را تضعیف و تصمیم‌گیری‌های اداری را تابع منافع جناحی و شخصی ساخت (Abrahamian, 1982; Avery, 1965). فساد اداری و پارتی‌بازی فراگیر

بود و تبعیض‌های قومی، منطقه‌ای و طبقاتی شکاف‌های اجتماعی و انسجام ملی را تضعیف کرد (Millspaugh, 1946; Keddie & Richard, 1981; Abrahamian, 1982). در مجموع، رابطه محوری، نفوذ سیاسی و فساد ساختاری کارآمدی دولت را کاهش داد و مانع نهادینه شدن مدیریت مدرن شد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در بازه زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، نظام اداری و مدیریتی تحت سلطه مستقیم شاه و دربار بود و شفافیت نهادی محدود شد؛ اطلاعات بودجه، طرح‌ها و استخدام به‌طور محرمانه منتشر می‌شد و نهادهای نظارتی استقلال کافی نداشتند (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۳۵؛ سعیدی، ۱۴۰۱). انتصابات و ارتقاها بیشتر مبتنی بر وفاداری به حکومت و توصیه شاه بود و معیارهای تخصصی جایگاهی نداشت، هرچند حضور محدود مدیران متخصص مشاهده می‌شد (بالدوین، ۱۴۰۱؛ سعیدی، ۱۴۰۱). فساد اداری و پارتی‌بازی گسترده بود و منابع عمومی به منافع شخصی یا گروهی تبدیل می‌شد (آوری، ۱۳۷۱؛ Keddie, 2006). تلاش‌های اصلاحی محدود بیشتر کارمندان رده پایین را شامل می‌شد و قدرت‌مداران با نفوذ سیاسی و مالی از پاسخگویی معاف بودند (آوری، ۱۳۷۱). در مجموع، بوروکراسی فاقد استقلال، کارآمدی و پاسخگویی بود و رابطه‌بازی، فساد و تمرکز قدرت شاه، نارضایتی عمومی را تشدید کرد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش، نظام اداری و مدیریتی ایران با فاصله در خور توجهی از شفافیت و تخصص‌گرایی مواجه بود و تصمیم‌گیری‌های کلان غالباً بر اساس وفاداری سیاسی و روابط شخصی اتخاذ می‌شد، نه شایستگی حرفه‌ای (Katouzian, 1981; Abrahamian, 1982; Ansari, 2003). استفاده و انتصابات سیاسی همچنان تابع شبکه‌های نفوذ و توصیه‌های درباری بود و بهره‌گیری از موقعیت شغلی برای منافع شخصی یا گروهی، پارتی‌بازی و تبعیض در تخصیص منابع رایج بود (دیگار و همکاران، ۱۳۷۷؛ Katouzian, 1981). با وجود این محدودیت‌ها، تکنوکرات‌هایی مانند عالیخانی تلاش می‌کردند فرایندهای قانونی و تخصصی را رعایت کنند و تا حدودی کارکرد نظام اداری را بهبود بخشند

(سعیدی، ۱۴۰۱؛ Foran, 2019). تحلیل شواهد تاریخی نشان می‌دهد که نظام اداری، هرچند محدود و موقت، توانست در برخی مقاطع اقدام‌های مدیریتی و اقتصادی مؤثری را اجرایی کند، اما وابستگی گسترده به ملاحظات سیاسی و شخصی، ناکارآمدی سیستم و فساد ساختاری همچنان بر عملکرد آن سایه می‌انداخت. با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش، نمره ۰.۶ (کم‌وبیش عضو) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش، نظام اداری و مدیریتی ایران به شدت تحت تأثیر رابطه‌گرایی و وابستگی به دربار و شاه قرار گرفت و فرایندهای قانونی و تخصصی در عمل، جای خود را به وفاداری سیاسی و روابط شخصی داد (Katouzian, 1981). استخدام‌ها و انتصابات مدیریتی بیشتر بر اساس نزدیکی به خاندان سلطنتی و حزب رستاخیز انجام می‌شد و شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها کاهش یافت (عالی‌خانی، ۱۳۸۲؛ Ansari, 2003; Abrahamian, 1982). سوءاستفاده از موقعیت شغلی، پارتی‌بازی و تبعیض در تخصیص منابع و طرح‌ها رایج بود و استقلال عملی بوروکرات‌ها به حداقل رسید (Katouzian, 1981; Abrahamian, 1982; Foran, 2019). بنیاد پهلوی و دیگر نهادهای وابسته به شاه، نه تنها کانال مالی و پاداش به حامیان رژیم بودند، بلکه ابزار نفوذ گسترده در اقتصاد و ادارات محسوب می‌شدند (آبراهامیان، ۱۳۸۹؛ دیگران و همکاران، ۱۳۷۷). این وضعیت مشروعیت نهادی را کاهش و ناکارآمدی دستگاه اداری و نارضایتی عمومی را افزایش داد. با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد. با توجه به توضیح‌های گفته‌شده، نمره عضویت مجموعه فازی «رابطه‌گرایی در نظام اداری و مدیریتی کشور» در دوره‌های زمانی مختلف در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. نمرات مجموعه فازی «رابطه‌گرایی در نظام اداری و مدیریتی کشور»

دوره زمانی (ش)	۱۳۲۰-۱۳۳۲	۱۳۳۲-۱۳۴۲	۱۳۴۲-۱۳۵۲	۱۳۵۲-۱۳۵۷
نمره عضویت در مجموعه فازی	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۶ (کم‌وبیش عضو)	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)

## ۱.۴.۶. ظرفیت دولت

یافته‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش، ظرفیت دولت ایران محدود و تحت نفوذ سیاسی و شبکه‌های شخصی و قومی بود؛ بوروکراسی فاقد کارآمدی و تخصص محوری و هماهنگی بین‌بخشی ضعیف بود (کدی، ۱۳۸۶؛ آبراهامیان، ۱۳۸۶؛ فروغی، ۱۳۹۶). توان دولت در تأمین زیرساخت‌ها و منابع مالی محدود بود و فساد و تخصیص غیرشفاف منابع، عملکرد بوروکراسی را مختل می‌کرد (بالدوین، ۱۴۰۱). استقلال دولت از گروه‌های ذی‌نفوذ و فشارهای خارجی اندک بود و سیاست‌ها بیشتر برای حفظ حمایت آنان شکل می‌گرفت (آبراهامیان، ۱۳۸۶؛ کدی، ۱۳۸۶). توان اعمال خشونت قانونی و تأمین امنیت عمومی نیز محدود بود و جنبش‌های منطقه‌ای و نفوذ خارجی کنترل دولت بر امنیت داخلی را کاهش داده بود (آپتن، ۱۴۰۰؛ دیگران و همکاران، ۱۳۷۷؛ فوران، ۱۳۸۶). اعتماد عمومی ضعیف و فساد و تبعیض مشروعیت نهادها را کاهش داد (سعیدی، ۱۴۰۱؛ گل‌محمدی، ۱۳۹۲). در مجموع، ضعف بوروکراسی، محدودیت منابع و وابستگی به گروه‌های ذی‌نفوذ موجب شد ظرفیت عملیاتی دولت برای اداره کشور و پاسخگویی به تهدیدها به شدت کاهش یابد. با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ ش، پس از کودتای ۲۸ مرداد، دولت پهلوی دوم تلاش‌هایی برای ارتقای ظرفیت نهادی و بوروکراسی حرفه‌ای انجام داد. ایجاد سازمان‌های جدید، توسعه سازمان برنامه و تربیت کارکنان متخصص نمونه‌هایی از این اقدام‌ها بود (عالیخانی، ۱۳۸۲؛ سعیدی، ۱۴۰۱). با این حال، انتصابات تحت نفوذ دربار و مداخله‌های سیاسی باقی ماند و فساد و سیاست‌زدگی محدودیت‌های اجرایی ایجاد کرد (Baldwin, 1967; Abrahamian, 1982). هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، به دلیل رقابت گروه‌های ذی‌نفوذ و افزایش هزینه‌ها، با اختلال مواجه بود و طرح‌های عمرانی بیشتر در مناطق شهری متمرکز شد، در حالی که نظام مالیاتی ناکارآمد و وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی محدودیت ساختاری دولت را حفظ کرد (Gasiorowski, 1991; Baldwin, 1967). تقویت نهادهای امنیتی، به‌ویژه تأسیس ساواک، توان دولت را در اعمال خشونت قانونی و تأمین امنیت افزایش داد، اما سرکوب سیاسی مشروعیت عمومی کاهش یافت (آوری، ۱۳۷۱؛ عالیخانی، ۱۳۸۲؛ Foran, 2019). به این ترتیب، این دوره هم‌زمان با پیشرفت

نسبی در بوروکراسی و توسعه زیرساخت‌ها، محدودیت‌های سیاسی و مشروعیتی داشت (Abrahamian, 1982; Baldwin, 1967; Keddie & Richard, 1981; Foran, 2019). با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، نمره ۰.۶ (کم‌وبیش عضو) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش، ظرفیت دولت ایران به بالاترین سطح تاریخی تا آن زمان رسید؛ توسعه بوروکراسی، نهادسازی اقتصادی و صنعتی، طرح‌های عمرانی و رشد زیرساخت‌ها، همراه با نقش مؤثر تکنوکرات‌ها، توان عملیاتی و برنامه‌ریزی کلان دولت را تقویت کرد (Katouzian, 1981; Abrahamian, 1982؛ گروه مهندسی خرد، ۱۴۰۰). باین‌حال، تصمیم‌گیری‌ها تحت فشار گروه‌های ذی‌نفوذ، دربار و وابستگی نفتی محدود بود و هماهنگی میان وزارتخانه‌ها ناکافی، پاسخگویی محدود و استقلال حرفه‌ای محدود باقی ماند (Abrahamian, 1982; Foran, 2019). نهادهای امنیتی و نظامی، به‌ویژه ساواک، کنترل خشونت و امنیت را حفظ کردند، اما سرکوب سیاسی ظرفیت دولت برای مدیریت مستقل و شفاف را کاهش داد (علم، ۱۳۷۲؛ Foran, 2019). با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش، نمره ۰.۲ (بیشتر غیرعضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش، دولت ایران ساختار دیوان‌سالاری گسترده‌ای داشت و وزارتخانه‌ها و کارکنان دولتی افزایش یافته بودند، اما عملکرد آن به‌شدت تحت تأثیر تمرکز قدرت در دست شاه و حزب رستاخیز بود. استقلال حرفه‌ای بوروکرات‌ها محدود شد و تصمیم‌گیری‌ها بیشتر تابع دستورهای سیاسی و خانوادگی بود تا معیارهای تخصصی و شفاف. هماهنگی میان وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها ضعیف بود و طرح‌های ملی بیشتر بر اساس سلسله‌مراتب دربار اجرا می‌شد. اعتماد عمومی به دولت و نهادهای امنیتی پایین بود و وابستگی شدید به درآمد نفت باعث شد توسعه نظام مالیاتی کاهش یابد. با وجود برخی دستاوردها در زیرساخت‌ها، ضعف در جمع‌آوری مالیات، محدودیت استقلال دولت، فشار گروه‌های ذی‌نفوذ، و سرکوب گسترده اعتراض‌های اجتماعی ظرفیت اجرایی دولت را به‌شدت کاهش داد. با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش، نمره ۰.۶ (کم‌وبیش عضو) را نشان می‌دهد. با توجه به توضیح‌های گفته‌شده، نمره عضویت

مجموعه فازی «ضعف در ظرفیت دولت» در دوره‌های زمانی مختلف در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹. نمرات مجموعه فازی «ضعف در ظرفیت دولت»

دوره زمانی (ش)	۱۳۲۰-۱۳۳۲	۱۳۳۲-۱۳۴۲	۱۳۴۲-۱۳۵۲	۱۳۵۲-۱۳۵۷
نمره عضویت در مجموعه فازی	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۶ (کم و بیش عضو)	۰.۲ (بیشتر غیر عضو اما نه کامل)	۰.۶ (کم و بیش عضو)

#### ۷.۱.۴. شواهد تاریخی درباره نتیجه

در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش، اقتصاد ایران با ناپایداری شدید مواجه بود. اشغال کشور به دست متفقین، بحران غذایی، تورم و محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی، سطح زندگی کارگران و طبقات کم‌درآمد را کاهش داد (آپتن، ۱۴۰۰؛ دیگر و همکاران، ۱۳۷۷). وابستگی درآمد ملی به نفت و کشاورزی، همراه با نوسان‌های جهانی و ملی شدن صنعت نفت در ۱۳۳۰ ش، تولید و درآمد را متزلزل ساخت (Baldwin, 1967). خدمات عمومی نظیر آموزش، بهداشت و امنیت غذایی محدود و درصد مرگ کودکان بالا بود (آوری، ۱۳۷۰؛ Foran, 2019؛ Aghajanian, 1999). نابرابری منطقه‌ای و طبقاتی پابرجا ماند و بیشتر بودجه دولت صرف هزینه‌های نظامی و اداری شد، در حالی که کمتر از ۱۰ درصد منابع صرف توسعه روستایی می‌شد (Katouzian, 1981). بیکاری گسترده و محدودیت سرمایه‌گذاری، آسیب‌پذیری اقتصاد را افزایش داد (Esfahani & Pesaran, 2009). تلاش‌های دولت مصدق در اصلاح مالیات و مقابله با فساد محدود بود و کودتای ۲۸ مرداد تمرکز قدرت و انحصار را تقویت کرد (Abrahamian, 1982; Kinzer, 2003). به این ترتیب، این دوره با نوسان‌های تولید و درآمد، بیکاری و نابرابری گسترده و خدمات عمومی ناکافی مشخص شد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش، نمره ۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد. در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ ش، اقتصاد ایران رشد در خور توجهی در درآمد ملی و تولید ناخالص داخلی داشت و توسعه زیرساخت‌ها - به ویژه در بخش نفت، صنعتی و شهری - افزایش یافت (Baldwin, 1967; Katouzian, 1981; Esfahani & Pesaran, 2009). سازمان برنامه با حداقل مداخله سیاسی طرح‌های عمرانی و صنعتی را اجرا کرد و رشد اقتصادی سالانه ۵ تا ۷ درصد رقم خورد

(Abrahamian, 1982; Esfahani & Pesaran, 2009؛ آپتن، ۱۴۰۰). با این حال، نابرابری‌های منطقه‌ای و طبقاتی ادامه داشت؛ توسعه بیشتر در تهران و حومه متمرکز بود؛ و مناطق روستایی با فقر، سوء تغذیه و خدمات محدود مواجه بودند (عالیخانی، ۱۳۸۲؛ سعیدی، ۱۴۰۱). توزیع درآمد نابرابر و مالیات‌های سنگین بر طبقات پایین در حالی که صنایع وابسته به حکومت معاف بودند، توازن اقتصادی را مختل کرد. بهره‌وری پایین کشاورزی، بیکاری فصلی و اتکای اقتصاد به درآمد نفتی، آسیب‌پذیری ساختاری ایجاد و فرصت‌های اقتصادی محدود و مهاجرت روستاییان به شهرها را تشدید کرد (Esfahani & Pesaran, 2009; Kinzer, 2003). به این ترتیب، این دوره با رشد اقتصادی نسبی همراه با چالش‌های ساختاری و نابرابری گسترده مشخص شد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش، نمره ۰.۶ (کم و بیش عضو) را نشان می‌دهد.

در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش، اقتصاد ایران رشد در خور توجهی کرد که بیشتر ناشی از افزایش درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی بود (Katouzian, 1981). تولید ناخالص داخلی با درصد سالانه ۹.۳ تا ۱۳ درصد افزایش یافت و درآمد سرانه از ۱۸۰ دلار به ۵۶۶ دلار رسید (آوری و همکاران، ۱۳۸۸). با این حال، تمرکز درآمد و فرصت‌ها در شهرها و میان طبقه متوسط و نخبگان اقتصادی باقی ماند (Abrahamian, 1982). سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر در صنایع و خدمات متمرکز شد و سهم کشاورزی کاهش یافت (گروه مهندسی خرد، ۱۴۰۰؛ Katouzian, 1981). برنامه‌های توسعه‌ای و سازمان‌های صنعتی رشد بخش خصوصی و نهادسازی اقتصادی را تقویت کرد، اما وابستگی بخش خصوصی به حمایت‌های دولتی مانع شکل‌گیری اقتصاد رقابتی شد (Foran, 2019). شاخص‌های رفاه، از جمله خدمات بهداشتی و امید به زندگی، افزایش یافت، اما شکاف‌های طبقاتی و منطقه‌ای پابرجا ماند (Keddie, 2006). در مجموع، این دوره رشد سریع اقتصادی و افزایش توان اجرایی دولت را نشان می‌دهد، اما نابرابری‌ها و محدودیت‌های ساختاری مانع توسعه مستمر شد. با توجه به شواهد گفته شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش، نمره ۰.۲ (بیشتر غیر عضو اما نه کامل) را نشان می‌دهد.

در دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش، اقتصاد ایران رشد زیادی داشت و تولید ناخالص داخلی افزایش یافت. رشد سالانه GDP بدون نفت حدود ۱۷ درصد و تولید کل

طی ۱۷ سال ۵.۵ برابر شد و توسعه زیرساخت‌های صنعتی و تعداد واحدهای تولیدی افزایش چشمگیری داشت (Katouzian, 1981؛ گروه مهندسی خرد، ۱۴۰۰). با این حال، توزیع درآمد نابرابر بود و شکاف‌های اجتماعی و منطقه‌ای پابرجا ماند، فقر در مناطق روستایی ادامه داشت و بخش کشاورزی و خدمات کمتر بهره‌مند شدند (Abrahamian, 1982; Keddie, 2006). شاخص‌های رفاه عمومی پایین و دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی محدود بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹؛ آوری و همکاران، ۱۳۸۸). ثبات اقتصادی و رقابت آزاد تحت فشار سیاسی و نفوذ گروه‌های ذی‌نفوذ محدود شد و مشکلاتی مانند تورم و سفته‌بازی فرصت رشد پایدار را کاهش داد (دیگار و همکاران، ۱۳۷۷). بنابراین، با وجود توانمندی کلان اقتصادی، عدالت اجتماعی و پایداری توسعه محدود بود. با توجه به شواهد گفته‌شده، میانگین نمرات متخصصان و محققان به این مجموعه فازی در دوره زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ ش، نمره ۰.۶ (کم‌وبیش عضو) را نشان می‌دهد. با توجه به توضیح‌های گفته‌شده، نمره عضویت مجموعه فازی «توسعه ناقص اقتصادی» در دوره‌های زمانی مختلف در جدول ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۱۰. نمرات مجموعه فازی «توسعه ناقص اقتصادی»

دوره زمانی (ش)	۱۳۲۰-۱۳۲۲	۱۳۲۲-۱۳۴۲	۱۳۴۲-۱۳۵۲	۱۳۵۲-۱۳۵۷
نمره عضویت در مجموعه فازی	۰.۸ (بیشتر عضو اما نه کامل)	۰.۶ (کم‌وبیش عضو)	۰.۲ (بیشتر غیر عضو اما نه کامل)	۰.۶ (کم‌وبیش عضو)

#### ۲.۴. یافته‌های استنباطی

به‌منظور شناسایی ترکیب شرایط علی مؤثر بر پدیده «توسعه ناقص اقتصادی»، از روش تحلیل مجموعه‌های فازی (FsQCA) استفاده شد. مدل تحلیلی مطالعه چنین تعریف می‌شود:

$$\text{Economic underdevelopment} = f(\text{GI}^1, \text{WASL}^2, \text{WSP}^3, \text{WBP}^4, \text{R}^5, \text{WGC}^6)$$

1. Genetic Incompatibility
2. Weak Adherence of Superiors to the Laws
3. Weakness in the Separation of Powers
4. Weakness in the Balance of Power
5. Relationalism
6. Weakness in Government Capacity

در این مدل، پیامد بررسی شده عبارت بود از «توسعه ناقص اقتصادی» و شرایط علی شامل شش عامل نهادی. تحلیل با استفاده از الگوریتم-Quine McCluskey انجام و سه نوع راه حل تحلیلی (راه حل پیچیده، میانه و صرفه جویانه) استخراج شد. در این تحلیل، آستانه فراوانی و آستانه سازگاری هر دو ۱ هستند. راه حل پیچیده و راه حل میانی در این تحلیل مشابه است و در هر دو، یک مسیر برای وقوع توسعه ناقص اقتصادی شناسایی شد. این مسیر سازگاری زیادی داشت (۱) و حدود ۹۰ درصد موارد توسعه ناقص اقتصادی را پوشش می دهد. طبق این مسیر «توسعه ناقص اقتصادی» در شرایطی رخ می دهد که:

«رابطه گرایی در نظام اداری و مدیریتی کشور» حاضر است\* «ضعف در توازن قدرت بین دولت و جامعه» حاضر است\* «ضعف در تفکیک قوا» حاضر است\* «سطح پایین قانون گرایی در بین فرادستان» حاضر است\* «ضعف ظرفیت دولت» حاضر است\* «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» حاضر است.

مطابق این پیکربندی، ترکیب «رابطه گرایی در نظام اداری و مدیریتی کشور»، «ضعف در توازن قدرت بین دولت و جامعه»، «ضعف در تفکیک قوا»، «پایین بودن قانون گرایی در بین فرادستان»، «ضعف در ظرفیت دولت» و «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» به خودی خود کافی است تا فرایند توسعه اقتصادی به شکلی ناقص پیش رود. دوره های زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۲۰ش، ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ش و ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ش در خروجی نرم افزار به این پیکربندی تعلق دارند. در خروجی نرم افزار، دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش فاقد عضویت قوی در این پیکربندی بود. از این رو، می توان آن را به مثابه دوره ای «متفاوت» از این پیکربندی تحلیل کرد. ویژگی بارز این مقطع، حضور پررنگ تکنوکرات ها در ساختار مدیریتی کشور و تلاش نسبی آنان برای پای بندی به اصول تکنوکراتیک بود؛ اصولی که در قلب ابلاغیه ها و قوانین مصوب، در پی ایجاد نوعی انتظام اداری و محدود کردن زمینه های دوزدن قواعد توسط سایر کنشگران شکل گرفت. محمدرضا شاه در این مقطع تا حدی به حضور تکنوکرات ها تن داد و آنان را در عرصه تصمیم گیری تحمل کرد. با این حال، این وضعیت موقتی بود و در ادامه، با تشدید تمایل شاه به تمرکز قدرت، تکنوکرات هایی که توانایی یا جسارت مقابله با اراده او را داشتند، به تدریج از ساختار مدیریتی کشور حذف شدند. در نتیجه، دستاوردهای اقتصادی

نیم‌بند این دوره، که ناشی از نقش‌آفرینی تکنوکرات‌ها بود، نتوانست در دوره‌های بعد استمرار یابد و به تثبیت روند توسعه‌ای مستمر منجر شود.

راه‌حل صرفه‌جویانه در خروجی تحلیل نتایج مهمی در بر داشت. در نرم‌افزار FsQCA، وقتی با الگوریتم انتخاب ضرایب اصلی نتوان جدول داده‌ها را به طور کامل کاهش داد، پنجره ضرایب اصلی ظاهر می‌شود و کاربر باید ضرایب اصلی استفاده‌شده را بر اساس دانش نظری و واقعی خود انتخاب کند. در تحلیل نرم‌افزاری این پژوهش، پنجره ضرایب اصلی با سه متغیر زیر ظاهر می‌شود: «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان»، «سطح پایین قانون‌گرایی در بین فرادستان» و «ضعف در ظرفیت دولت». در اینجا، با توجه به چارچوب نظری تحقیق و جایگاهی که دو متغیر اولیه با عنوان «پیش‌شرط‌های فرایند توسعه» در آن داشته‌اند، آن دو را در تجزیه و تحلیل نرم‌افزار مهم‌تر از «ضعف در ظرفیت دولت» برشمردیم و آن‌ها انتخاب کردیم. بر همین اساس، در خروجی نرم‌افزار، راه‌حل صرفه‌جویانه دو متغیر «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» و «سطح پایین قانون‌گرایی در بین فرادستان» شرط لازم شناسایی شدند. همه دوره‌های تاریخی بررسی‌شده در برهه‌هایی «عضویت در خور توجه» را در شرط‌های «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» و «سطح پایین قانون‌گرایی در بین فرادستان» دارايند؛ اما عضويت هر دوره در پیکربندی‌های ترکیبی متفاوت است که نشان می‌دهد مسیرهای علی توسعه ناقص چندگانه و متنوع بوده است. به‌عبارت دیگر، سه نکته کلیدی از خروجی راه‌حل صرفه‌جویانه و ترکیبی برمی‌آید:

- راه‌حل صرفه‌جویانه نشان می‌دهد که «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» و «سطح پایین قانون‌گرایی در بین فرادستان» در همه موارد توسعه ناقص اقتصادی حضور دارد (پوشش = ۱)؛ بدین معنا که این دو متغیر شرط غالب/عمومی در پدیده «توسعه ناقص اقتصادی» است.

- سازگاری نسبتاً بالای این دو متغیر (ناسازگاری ژانری در بین فرادستان = ۰.۷۸ و سطح پایین قانون‌گرایی در بین فرادستان = ۰.۸۴) نمایانگر آن است که «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» و «سطح پایین قانون‌گرایی در بین فرادستان»، همان‌طور که در چارچوب نظری آمده بود، جایگاه خود را به‌منزله پیش‌شرط‌های توسعه تثبیت می‌کنند و نقش ممتازی در فرایند توسعه و جهت‌دهی به متغیرهای دیگر دارند. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت که این دو متغیر برای مسیر توسعه کشور

بسترسازی می‌کنند.

- علی‌رغم جایگاه خاص دو متغیر «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» و «سطح پایین قانون‌گرایی در بین فرادستان» در فرایند توسعه، این دو متغیر به‌تنهایی تصویری کاملی از عوامل توسعه ناقص اقتصادی منتقل نمی‌کنند و برای تبیین دقیق‌تر باید ترکیب با سایر متغیرها را در نظر گرفت؛ همان چیزی که راه‌حل‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

با توجه به نکته‌های گفته‌شده «ناسازگاری ژانری در بین فرادستان» و «سطح پایین قانون‌گرایی در بین فرادستان»، پیش‌شرط‌هایی با اهمیت زیاد، لازم و ضروری، اما ناکافی برای توسعه ناقص اقتصادی است و با ترکیب با سایر متغیرهاست که فرایند توسعه ناقص اقتصادی در کشور را رقم زده‌اند.

جدول ۱۱. نتایج راه‌حل صرفه‌جویانه

ردیف	پیکربندی علی	پوشش خام	پوشش یکتا	سازگاری
۱	ناسازگاری ژانری در بین فرادستان	۱	۰	۰.۸۴
۲	سطح پایین قانون‌گرایی	۱	۰	۰.۷۸
	پوشش و سازگاری کل راه‌حل	۱	---	۰.۷۸

منبع: نگارندگان

## ۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با هدف تبیین الگوهای علی ناکامی توسعه اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ش، تلاش شده است از طریق تلفیق نظریه‌های کلاسیک و معاصر توسعه با رویکرد نهادگرایی جدید، چارچوبی مفهومی تحت عنوان «چندضلعی نامتعادل غیرمتناجس» ارائه شود. یافته‌های حاصل از تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه‌های فازی نشان می‌دهد که توسعه ناقص اقتصادی در این دوره تاریخی نه محصول متغیری منفرد، بلکه نتیجه هم‌زمانی و برهم‌کنش پیکربندی مشخصی از نهادهای سیاسی بوده است. این نتایج از منطلق علیت ترکیبی حمایت می‌کند و با نقد رویکردهای خطی در متون توسعه هم‌راستا است. از منظر نظری، یافته‌های پژوهش به سه بحث مهم در متون بین‌المللی یاری می‌رساند. نخست، نتایج نشان می‌دهد که مسئله «تعهد معتبر» که در آثار نورث و پیروان نهادگرایی جدید مطرح شد، در بستر ایران برآمده از ترکیب هم‌زمان چند

اختلال نهادی بوده است؛ به‌ویژه، «ناسازگاری ژانری در میان فرادستان» و «ضعف در تبعیت فرادستان از قوانین» شروط لازم توسعه ناقص اقتصادی هستند و نشان می‌دهند که انسجام درون‌نخبگانی و حاکمیت قانون در سطح نخبگان، پیش‌شرط بنیادی شکل‌گیری ترتیبات نهادی پایدار است. این یافته مکمل متون مربوط به شکاف‌های درون‌نخبگی و نقش آن در تضعیف نظم‌های نهادی خواهد بود. دوم، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ظرفیت دولت به‌تنهایی تضمین‌کننده توسعه مستمر نیست، بلکه در غیاب موازنه قدرت میان دولت و جامعه و در شرایط ضعف تفکیک قوا، حتی دولت‌های نسبتاً مقتدر نیز ممکن است رشدهای مقطعی تولید کنند، بی‌آنکه این رشد به توسعه نهادی مستمر تبدیل شود. این امر بازاندیشی در برخی روایت‌های دولت‌محور توسعه را ضروری می‌سازد و بر اهمیت کیفیت روابط قدرت و ساختارهای پاسخگویی تأکید دارد. سوم، تحلیل پیکربندی‌های علی نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی در بسترهای تاریخی مشابه ایران، باید در چارچوب تعامل پیچیده میان ساختار قدرت، روابط بین فرادستان، ظرفیت اجرایی و الگوهای مسلط در نظام اداری و مدیریتی فهم شود. از این منظر، چارچوب «چندضلعی نامتعادل غیرمتناجس» پیشنهادی این پژوهش، الگویی تحلیلی برای مطالعه سایر دولت‌های با ویژگی‌های نهادی-سیاسی مشابه به‌کار گرفته شود.

درخصوص دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ش که در تحلیل موردی متفاوت ظاهر شد، ویژگی بارز این مقطع، حضور پررنگ تکنوکرات‌ها در ساختار مدیریتی کشور و تقویت انتظام اداری بود. باوجوداین، در ادامه با تشدید تمرکز قدرت به‌تدریج از ساختار مدیریتی کشور حذف شدند. در نتیجه، دستاوردهای اقتصادی این دوره، که ناشی از نقش‌آفرینی تکنوکرات‌ها بود، نتوانست در دوره‌های بعد استمرار یابد و به تثبیت روند توسعه‌ای مستمر منجر شود.

از حیث روش‌شناختی، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به‌کارگیری هم‌زمان تحلیل تاریخی و روش FsQCA امکان شناسایی الگوهای علی پیچیده و غیرخطی را فراهم می‌کند؛ الگویی که در مطالعات تک‌متغیره یا مدل‌های برازش سنتی کمتر مشاهده می‌شود. بااین‌حال، نتایج این پژوهش باید با توجه به محدودیت‌هایی تفسیر شود؛ ازجمله تعداد محدود موارد تاریخی و تمرکز بر یک کشور. در پژوهش‌های آینده، با گسترش دامنه مقایسه به سایر کشورهای دارای ویژگی‌های نهادی-سیاسی مشابه یا با افزایش تعداد موارد لازم است میزان تعمیم‌پذیری چارچوب پیشنهادی آزمون شود.

در مجموع، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ناکامی توسعه اقتصادی ایران در دوره بررسی شده، بیش از هر چیز در چارچوب تحلیل حاضر، ریشه در ناتوانی نهادهای سیاسی در ایجاد نظم نهادی هماهنگ، پیش‌بینی‌پذیر و مبتنی بر تعهدهای معتبر داشته است. توسعه مستمر مستلزم هم‌ترازی ساختاری میان انسجام فرادستان، حاکمیت قانون در بین فرادستان، تفکیک قوا، موازنه قدرت بین دولت و جامعه و ظرفیت اجرایی دولت است. در غیاب این هم‌ترازی، رشدهای اقتصادی به توسعه‌ای مستمر و نهادینه تبدیل نخواهد شد.

### تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

### مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند. این مقاله برگرفته از رساله دکتری *نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی ایران از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷ ه.ش* در دانشگاه علامه طباطبایی است. استاد راهنما دکتر فائز دین‌پرست و مشاوران دکتر ابوالفضل دلاوری و دکتر جعفر خیرخواهان بوده‌اند.

### اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است. در راستای تقویت زبانی مقاله، به‌ویژه چکیده کوتاه و میسوپ انگلیسی، از هوش مصنوعی ChatGPT نسخه GPT-4 صرفاً در حد ویرایش زبانی، روان‌سازی و اصلاح ساختار جمله‌ها استفاده شده است. نویسندگان اذعان داشته‌اند تمامی مباحث نظری، طراحی روش تحقیق، تحلیل داده‌ها و استنتاج نتایج، کاملاً حاصل کار علمی نویسندگان بوده و هیچ‌گونه استفاده تحلیلی یا مفهومی از هوش مصنوعی صورت نگرفته است.

### دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این

مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

## منابع

- ازغندی عر. (۱۳۸۲). *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰*. تهران: سمت.
- اشرف ا. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: انتشارات زمینه.
- آبراهامیان ی. (۱۳۸۶). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه گل‌محمدی ا، فتاحی م. تهران: نشر نی.
- (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه فتاحی م. چ ۴. تهران: نشر نی.
- آپتن ج.م. (۱۴۰۰). *تحلیلی از تاریخ ایران مدرن*. ترجمه آژند ی. تهران: نشر بایگانی.
- آزاد ارمکی ت. (۱۳۹۷). *اندیشه‌نوسازی در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آوری پ. (۱۳۷۱). *تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا اصلاحات ارضی*. ترجمه رفیعی مهرآبادی م. چ ۳، چ ۲. تهران: انتشارات عطایی.
- (۱۳۷۰). *تاریخ معاصر ایران از تاسیس سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*. ترجمه رفیعی مهرآبادی م. چ ۲، چ ۲. تهران: مؤسسه انتشارات عطایی.
- آوری پ، هامبلی گ، ملویل چ. (۱۳۸۸). *تاریخ ایران کمبریج*. ج ۷، قسمت سوم دوره پهلوی. ترجمه قادری ت. تهران: انتشارات مهتاب.
- بالدوین ج.ب. (۱۴۰۱). *برنامه‌ریزی و توسعه در ایران*. ترجمه عظیمی م. چ ۳. تهران: انتشارات علم.
- بدیع ب. (۱۳۸۷). *توسعه سیاسی*. ترجمه نقیب‌زاده ا. تهران: نشر قومس.
- بشیریه ح. (۱۳۸۷). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.
- بهنام ج. (۱۳۹۹). *ایرانیان و اندیشه‌تجدد*. چ ۶. تهران: انتشارات فرزانه روز.
- دلاوری ا. (۱۴۰۱). «دولت و سیاست تنازعی در ایران معاصر، ضرورت گذار به دولت مصالحه‌جو». *فصلنامه دولت‌پژوهی*. ۸(۳۲): ۳۷-۶۲.
- <https://doi.org/10.22054/tssq.2023.71590.1365>
- دیگار ژپ، هوکاد ب، ریشار ی. (۱۳۷۷). *ایران در قرن بیستم، بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در یک صد سال اخیر*. ترجمه هوشنگ مهدوی عر. تهران: نشر البرز.
- رضاقلی ع. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی نخبه‌کشی*. چ ۴۵. تهران: نشر نی.
- (۱۳۶۷). *جامعه‌شناسی خودکامگی*. چ ۲۸. تهران: نشر نی.
- رنانی م، مویدفر ر. (۱۳۹۶). *چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران*. تهران: طرح نقد.
- زیباکلام ص. (۱۴۰۰). *ما چگونه ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران*. تهران: انتشارات روزنه.
- سریع‌القلم م. (۱۴۰۱). *عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران*. انتشارات فرزانه روز.
- سعیدی ع.ا. (۱۴۰۱). *تکنوکراسی و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران به روایت رضا نیازمند*.

- چ ۲۷. تهران: انتشارات لوح فکر.
- سونگ یو د. (۱۳۷۷). «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی مطالعه تطبیقی کره و ایران». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۴۰ (پیاپی ۱۰۵۰). تیر. [https://jflps.ut.ac.ir/article\\_14186\\_3998a6bd74bac51ab8ac5635b885bf98.pdf](https://jflps.ut.ac.ir/article_14186_3998a6bd74bac51ab8ac5635b885bf98.pdf)
- طباطبایی س.ج. (۱۳۸۶). *دییچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*. چ ۷، تهران: نشر نگاه معاصر
- عالیخانی ع.ن. (۱۳۸۲). *خاطرات دکتر علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد (۱۳۴۸-۱۳۴۱)*، تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران. چ ۲. تهران: نشر آبی.
- عجم‌اوغلو د، رابینسون ج. (۱۴۰۱). *راه باریک آزادی*. ترجمه بهشتی شیرازی س.ع، خیرخواهان ج. چ ۷. تهران: نشر روزنه.
- (۱۳۹۵). *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟*. ترجمه میردامادی م، نعیمی پور م.ح. تهران: انتشارات روزنه.
- عظیمی ج. (۱۳۹۴). *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی.
- علم ا. (۱۳۸۲). *یادداشت‌های علم*. ویرایش از عالیخانی ع. چ ۵، ۱۳۵۴. تهران: کتاب سرا.
- (۱۳۷۷). *یادداشت‌های علم*. ویرایش از عالیخانی ع. چ ۳، ۱۳۵۲. تهران: کتاب سرا.
- (۱۳۷۲). *یادداشت‌های علم*. ویرایش از عالیخانی ع. چ ۲، ۱۳۵۱-۱۳۴۹. تهران: کتاب سرا.
- (۱۳۷۱). *یادداشت‌های علم*. ویرایش از عالیخانی ع. چ ۱، ۱۳۴۸-۱۳۴۷. تهران: کتاب سرا.
- علمداری ک. (۱۳۸۹). *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟*. تهران: نشر توسعه.
- غنی‌نژاد م. (۱۳۹۷). *تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر*. چاپ ۶. تهران: نشر مرکز.
- فراستخواه م. (۱۴۰۱). *ما ایرانیان: زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقیات ایرانی*. تهران: نشر نی.
- فروغی م.ع. (۱۳۹۶). *خاطرات محمدعلی فروغی*. تهران: انتشارات سخن.
- فوران ج. (۱۳۸۶). *مقاومت شکننده*. ترجمه تدین ا. تهران: نشر خدمات فرهنگی رسا.
- فوکویاما ف. (۱۳۹۷). *نظم و زوال سیاسی*. ترجمه قهرمان پور ر. چ ۵. تهران: انتشارات روزنه.
- قاضی مرادی ج. (۱۳۹۹). *در پیرامون خودمداری ایرانیان*. چ ۱۰. تهران: نشر اختران.
- کاتوزیان م.ع. (۱۴۰۱). *ایران جامعه کوتاه‌مدت*. ترجمه کوثری ع. تهران: نشر نی.
- (۱۴۰۰). *دولت و جامعه در ایران*. ترجمه افشار ح. تهران: نشر مرکز.
- کدی ن. (۱۳۸۶). *ریشه‌های انقلاب ایران*. ترجمه گواهی ع.ر. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- گروه مهندسی خرد. (۱۴۰۰). *داستان توسعه در ایران، از صدارت امیرکبیر (۱۲۲۷) تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)*. دفتر نخست. چ ۴. تهران: انتشارات لوح فکر.
- گل‌محمدی ا. (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی دولت در ایران در دوره پهلوی: فساد سیاسی به روایت اسناد». *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*. ۸ (۲): ۴۹-۷۸. [https://www.ipsajournal.ir/article\\_200.html](https://www.ipsajournal.ir/article_200.html)

- مشروح مذاکرات مجلس. (۱۳۳۵). تهران، مجلس شورای ملی.
- (۱۳۳۲). تهران، مجلس شورای ملی.
- (۱۳۳۱). تهران، مجلس شورای ملی.
- (۱۳۲۵). تهران، مجلس شورای ملی.
- (۱۳۲۲). تهران، مجلس شورای ملی.
- مونتسکیو ش دو. (۱۳۴۹). *روح القوانین*. ترجمه مهتدی ع. چ ۶. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- نراقی ح. (۱۳۹۹). *جامعه‌شناسی خودمانی*. چ ۳۴. تهران: نشر اختران.
- نورث دسی. (۱۳۹۸). *فهم فرایند تحول اقتصادی*. ترجمه فرضی‌زاده ز، مهاجرانی م. چ ۴. تهران: انتشارات نهادگرا.
- (۱۳۹۷). *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*. ترجمه معینی م. چ ۴. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- نورث دسی، وینگاست بر، والیس ج. (۱۴۰۱). *خشونت و نظم‌های اجتماعی؛ چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت‌شده بشر*. ترجمه خیرخواهان ج، مجیدزاده ر. چ ۴. تهران: انتشارات روزنه.

- Abrahamian E. (2008). *A History of Modern Iran*. Cambridge University Press.
- (2007). *Iran between Two Revolutions*. Golmohammadi A, Fattahi ME. (Trans.). Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- (1982). *Iran Between Two Revolutions*. Princeton University Press.
- Acemoglu D, Robinson JA. (2022). *The Narrow Corridor: States, Societies, and the Fate of Liberty*. Beheshti Shirazi SA, Kheirkhahvan J. (Trans.). 7th ed. Tehran: Roozaneh Publications. [in Persian]
- (2016). *Why Nations Fail*. Mirdamadi M, Naeimipour MH. (Trans.). Tehran: Roozaneh Publications. [in Persian]
- Aghajanian A. (1999). "Fertility and mortality". *Encyclopædia Iranica*. Vol. IX, Fasc. 5: 456-461. <https://www.iranicaonline.org/articles/fertility-and-mortality>.
- Alam AA. ----- (2003). *The Alam Diaries*. Alikhani A. (Ed.). Vol. 5, 1974. Tehran: Ketab Sara. [in Persian]
- (1998). *The Alam Diaries*. Alikhani A. (Ed.). Vol. 3, 1972. Tehran: Ketab Sara. [in Persian]
- (1993). *The Alam Diaries*. Alikhani A. (Ed.). Vol. 2, 1969–1971. Tehran: Ketab Sara. [in Persian]
- (1992). *The Alam Diaries*. Alikhani A. (Ed.). Vol. 1, 1968–1969. Tehran: Ketab Sara. [in Persian]
- Alamdari K. (2010). *Why Iran Lagged behind and the West Progressed*. Tehran: Tose'e Publishing. [in Persian]
- Alikhani A. (2003). *Memoirs of Dr. Alinaghi Alikhani, Minister of Economy (1962–1969)*. Lajevardi H. (Interviewer). Tehran: Abi Publishing. [in Persian]
- Almond GA, Powell GB. (1966). *Comparative Politics: A Developmental Approach*. Boston, MA: Little, Brown and Company.
- Amuzegar J. (1977). *Iran: An Economic Profile*. Middle East Inst.
- Ansari AM. (2003). *Modern Iran Since 1921: The Pahlavis and After*. Longman.
- Ashraf A. (1980). *Historical Obstacles to the Growth of Capitalism in Iran: The Qajar Period*. Tehran: Zamineh Publications. [in Persian]
- Avery P. (1992). *Modern Iran from the 1953 Coup to the Land Reforms*. Mehrabadi

- MR. (Trans.). Vol. 3, 2<sup>nd</sup> Ed. Tehran: Attaieh Publications [in Persian]
- (1991). *Modern Iran from the Establishment of the Pahlavi Dynasty to the 1953 Coup*. Mehrabadi MR. (Trans.). Vol. 2, 2<sup>nd</sup> Ed. Tehran: Attaieh Publications. [in Persian]
- (1965). *Modern Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Avery P, Hambly G, Melville C. (2009). "The Cambridge history of Iran". Vol. 7, Part 3. *The Pahlavi Period*. Ghaderi T. (Trans.). Tehran: Mahtab Publications. [in Persian]
- Azad Armaki T. (2018). *Modernization thought in Iran*. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Azghandi A. (2003). *Political and Social Transformations in Iran, 1941-1979*. Tehran: SAMT Publications. [in Persian]
- Azimi H. (2015). *Circuits of Underdevelopment in the Iranian Economy*. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Badie B. (2008). *Political Development*. Naqibzadeh A. (Trans.). Tehran: Qomes Publishing. [in Persian]
- Baldwin GB. (2022). *Planning and Development in Iran*. Azimi M. (Trans.). 3rd Ed. Tehran: Elm Publications. [in Persian]
- (1967). *Planning and Development in Iran*. Johns Hopkins University Press.
- Bashiriyeh H. (2008). *Obstacles to Political Development in Iran*. Tehran: Gam-e No Publishing. [in Persian]
- Behnam J. (2020). *Iranians and the Idea of Modernity*. 6th ed. Tehran: Farzan Rooz Publications. [in Persian]
- Bharier J. (1971). *The Economic Development in Iran, 1900-1970*. London: Oxford University Press.
- Canel M, Voltmer K. (Eds.) (2014). *Comparing Political Communication Across Time and Space: New Studies in an Emerging Field*. Springer.
- Chehabi HE. (1991). "Religion and politics in Iran: How theocratic is the Islamic Republic?". *Daedalus*. 69-91.
- Clawson, P. (1993). "Knitting Iran together: The land transport revolution, 1920-1940". *Iranian Studies*. 26(3-4): 235-250. <https://www.jstor.org/stable/4310856>.
- Delavari A. (2022). "The state and agonistic politics in contemporary Iran: The necessity of transition to a conciliatory state". *Journal of State Studies*. 8(32): 37-62. <https://doi.org/10.22054/tssq.2023.71590.1365>. [in Persian]
- Deutsch KW. (1961). "Social mobilization and political development". *American Political Science Review*. 55(3): 493-514.
- Digard JP, Hourcade B, Richard Y. (1998). *Iran in the Twentieth Century: Political, Social, Economic, and Cultural Developments*. Mahdavi AH. (Trans.). Tehran: Alborz Publishing. [in Persian]
- Esfahani HS, Pesaran MH. (2009). "The Iranian economy in the twentieth century". *Iranian Studies*. 42(2): 177-211. <https://doi.org/10.1080/00210860902764896>.
- Farasatkah M. (2022). *We Iranians: A Historical and Social Inquiry into Iranian Character*. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Foran J. (2019). *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*. Routledge.
- (2007). *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*. Tadin A. (Trans.). Tehran: Rasa Cultural Services. [in Persian]
- (1989). "The concept of dependent development as a key to the political economy of Qajar Iran (1800-1925)". *Iranian Studies*. 22(2-3): 5-56. <https://doi.org/10.1080/00210868908701730>.
- Foroughi MA. (2017). *The Memoirs of Mohammad Ali Foroughi*. Tehran: Sokhan Publishing. [in Persian]
- Fukuyama F. (2018). *Political Order and Political Decay*. Ghahramanpour R. (Trans.). 5th Ed. Tehran: Roozaneh Publications. [in Persian]

- (2006). *The End of History and the Last Man*. Simon and Schuster.
- Gasiorowski MJ. (1991). *U.S. Foreign Policy and the Shah: Building a Client State in Iran*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Ghani-Nejad M. (2018). *Modernism and Development in Contemporary Iran*. 6th Ed. Tehran: Markaz Publishing. [in Persian]
- Ghazi Moradi H. (2020). *On Iranian Egocentrism*. 10th Ed. Tehran: Akhtaran Publishing. [in Persian]
- Golmohammadi A. (2013). "State pathology in Iran during the Pahlavi era: Political corruption according to archival documents". *Political Science Research Quarterly*. 8(2): 49-78. [https://www.ipsajournal.ir/article\\_200.html](https://www.ipsajournal.ir/article_200.html). [in Persian]
- Halliday F. (1978). *Iran: Dictatorship and Development*. Penguin.
- Hibbs DA. (1973). *Mass Political Violence: A Cross-National Causal Analysis*. Vol. 253. New York: Wiley.
- Huntington SP. (2006). *Political Order in Changing Societies*. Yale University Press.
- Jazani B. (1980). *Capitalism and Revolution in Iran: Selected Writings of Bizhan Jazani*. Zed Books.
- Katouzian H. (2022). *Iran: A Short-Term Society*. Trans. Kowsari A. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- (2021). *State and Society in Iran*. Trans. Afshar H. Tehran: Markaz Publishing. [in Persian]
- (2003). *State and Society in Iran: The Eclipse of the Qajars and the Emergence of the Pahlavis*. I.B. Tauris.
- (1981). *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism, 1926-1979*. Springer.
- Keddie NR. (2007). *Roots of Revolution: An Interpretive History of Modern Iran*. Gavahi A. (Trans.). Tehran: Markaz-e Bazshenasi-e Eslam va Iran. [in Persian]
- (2006). *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*. Yale University Press.
- Keddie NR, Richard Y. (1981). *Roots of Revolution: An Interpretive History of Modern Iran*. Yale University Press.
- Kinzer S. (2003). *All the Shah's Men: An American Coup and the Roots of Middle East Terror*. John Wiley & Sons.
- Looney RE. (1977). *A Development Strategy for Iran through the 1980s*. Vol. 177. Greenwood.
- Mahdavy H. (1970). "Patterns and problems of economic development in rentier states: The case of Iran". *Studies in the Economic History of the Middle-East*. Cook MA. (Ed.). Oxford: Oxford University Press. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315000312-31/patterns-problems-economic-development-rentier-states-case-iran-mahdavy>
- Micro-Engineering Group. (2021). *The Story of Development in Iran: From Amir Kabir (1848) to the Islamic Revolution (1979)*. Vol. 1. 4th Ed. Tehran: Louh-e Fekr Publishing. [in Persian]
- Milani A. (2008). *Eminent Persians: The Men and Women Who Made Modern Iran, 1941-1979*. Syracuse University Press.
- Millsbaugh AC. (1946). *Americans in Persia*. Brookings Institution.
- Mofid K. (1987). *Development Planning in Iran: From Monarchy to Islamic Republic*. Kingston Press.
- Montesquieu C. (1970). *The Spirit of Laws*. Mohtadi AA. (Trans.). Vol. 6. Tehran: Amirkabir Publishing House. [in Persian]
- Motamen H. (1979). *Expenditure of Oil Revenue: An Optimal-Control Approach with Application to the Iranian Economy*. London: Frances Pinter.
- Naraqi H. (2020). *Our Own Sociology*. 34th Ed. Tehran: Akhtaran Publishing. [in Persian]
- North DC. (2019). *Understanding the Process of Economic Change*. Farzizadeh Z, Mohajerani M. (Trans.). 4th Ed. Tehran: Nehadgara Publishing. [in Persian]

- (2018). *Institutions, Institutional Change, and Economic Performance*. Moeini MR (Trans.). 4th Ed. Tehran: Management and Planning Organization. [in Persian]
- North DC, Wallis JJ, Weingast BR. (2022). *Violence and Social Orders*. Kheirkhahvan J, Majidzadeh R. (Trans.) 4th Ed. Tehran: Roozaneh Publications. [in Persian]
- Parsa M. (1989). *Social Origins of the Iranian Revolution*. Rutgers University Press.
- Pesaran MH. (1985). *Economic Development and Revolutionary Upheavals in Iran* (pp. 15-50). Palgrave Macmillan UK.
- Proceedings of the Iranian Parliament*. (1956). Tehran: National Consultative Assembly. [in Persian]
- (1953). Tehran: National Consultative Assembly. [in Persian]
- (1952). Tehran: National Consultative Assembly. [in Persian]
- (1946). Tehran: National Consultative Assembly. [in Persian]
- (1943). Tehran: National Consultative Assembly. [in Persian]
- Ragin C. (2007). "Chapter 5: Qualitative comparative analysis using fuzzy sets (Fsqca)". In Rihoux N, Ragin C. (Eds.). *Configurational Comparative Analysis*. London: Sage Publications.
- Renani, M, Moayedfar, Renani M, Moayedfar R. (2017). *Cycles beyond Ethics and Economics: Social Capital and Development in Iran*. Tehran: Tarh-e Naqd Publishing. [in Persian]
- Rezaqoli A. (1998). *Sociology of Elite Elimination*. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- (1988). *Sociology of Despotism*. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Rostow WW. (1990). *The Stages of Economic Growth: A Non-Communist Manifesto*. Cambridge University Press.
- Saeedi AA. (2022). *Technocracy and Economic Policymaking in Iran through the Narrative of Reza Niazmand*. 27<sup>th</sup> Ed. Tehran: Louh-e Fekr Publishing. [in Persian]
- Saikal A. (2009). *The Rise and Fall of the Shah: Iran from Autocracy to Religious Rule*. Princeton University Press.
- Sariolghalam M. (2022). *Rationality and the Future of Development in Iran*. Tehran: Farzan Rooz Publications. [in Persian]
- Shils E. (1960). "Political development in the new States (II)". *Comparative Studies in Society and History*. 2(4): 379-411. <https://doi.org/10.1017/S0010417500000827>.
- Song YD. (1998). "Political Culture and Political Development: A Comparative Study of Korea and Iran". *Journal of the Faculty of Law and Political Science*. University of Tehran. 40(1050). [https://jflps.ut.ac.ir/article\\_14186\\_3998a6bd74bac51ab8ac5635b885bf98.pdf](https://jflps.ut.ac.ir/article_14186_3998a6bd74bac51ab8ac5635b885bf98.pdf). [in Persian]
- Tabatabaei SJ. (2007). *An Introduction to the Theory of Iranian Decline*. 7th Ed. Tehran: Negah-e Moaser Publishing. [in Persian]
- Upton JM. (2021). *An Analysis of Modern Iranian History*. Ajand Y. (Trans.). Tehran: Baygani Publishing. [in Persian]
- Zibakalam S. (2021). *How Did We Become What We Are? An Inquiry into the Causes of Iran's Underdevelopment*. Tehran: Roozaneh Publications. [in Persian]